

# روند همگرایی و بهبود جایگاه چین در نظام بین الملل از دیدگاه قدرت نرم

محمود رضا گلشن پژوه\*

ولی کوزه گر کالجی\*\*

که شرایط حاکم بر سامانه بین الملل در دوران پس از شوروی را از این دیدگاه تجزیه و تحلیل کند. از دیدگاه نای، همزمان با دهه پایانی سده بیستم و به سبب دگرگونی در ماهیت سیاستهای بین المللی، اشکال ناملموس قدرت، اهمیت بیشتری یافته و قدرت، در حال گذار از منابع ثروت به منابع اطلاعات است.

این نوشتار بر سر آن است که با بررسی موردی، توانمندیها و محدودیتهای قدرت نرم جمهوری خلق چین، و اثر آن در روند همگرایی و بهبود جایگاه این قدرت نوپا در سامانه بین الملل را بررسی و ارزیابی کند. چون در سالهای گذشته در محافل علمی و دانشگاهی ایران بیشتر به ابعاد نظامی و اقتصادی چین توجه شده، امید است این نوشتار - که با رویکردی نو از زاویه قدرت نرم به دگرگونیهای پرشتاب و پیچیده این کشور می نگرد - مورد بهره گیری استادان، پژوهشگران و علاقمندان امور سیاسی و بین المللی قرار گیرد.

## آغاز سخن

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، اندیشمندان و نظریه پردازان برجسته حوزه های سیاسی و بین المللی، همچون چارلز کروتامر، ساموئل هانتینگتون، ویلیام کریستول، رابرت کیگان و فرانسیس فوکویاما کوشیدند که با طرح دیدگاههایی تازه، شرایط راستین حاکم بر سامانه بین الملل را بررسی و تجزیه و تحلیل کنند. یکی از اندیشمندانی که در این راه گام برداشت، پرفسور جوزف اس. نای (Joseph S. Nye) است. استاد روابط بین الملل در مدرسه حکومتی جان اف. کندی دانشگاه هاروارد است که در ۱۹۹۰ در نوشتاری با عنوان «تغییر ماهیت قدرت جهانی» (The changing nature of world power در فصلنامه علوم سیاسی (Political Science Quarterly) با طرح کردن «قدرت نرم» (soft power) در کنار «قدرت سخت» (hard power) کوشید

\* دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه تهران

\*\* دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه مازندران

سرد، شاهد گسترش روزافزون در به کارگیری آن از سوی کشورهای گوناگون هستیم. در شرایط تازه سامانه بین‌المللی، کشورها همراه با افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی، بهره‌گیری از قدرت نرم در سیاستهای داخلی و خارجی خود را به گونه‌ای چشمگیر مورد توجه قرار داده‌اند تا بتوانند با کاربرد این عامل به همگرایی منطقه‌ای و جهانی برسند.

### پایه‌های مهم قدرت نرم چین

جمهوری خلق چین، پرجمعیت‌ترین کشور جهان با بزرگی ۹/۶ میلیون کیلومتر مربع، به‌عنوان مهم‌ترین کشور کمونیستی جهان، قطبی اثرگذار در منطقه شرق آسیا شمرده می‌شود که با پشت سر نهادن تنشها و رقابتهای دوران جنگ سرد، در جستجوی الگوی تازه‌ای در روابط خود با دیگر قدرتهای جهانی بویژه ایالات متحده آمریکا است. «قدرت نوظهوری که در کنار ایالات متحده، اروپا، ژاپن، روسیه و هند، یکی از شش قدرتی است که هنری کسینجر از آنها به‌عنوان قدرتهای بزرگ نظامی بین‌الملل در سده بیست‌ویک یاد می‌کند».<sup>۴</sup>

از این رو برخی از تحلیلگران بر این باورند که اگر سده بیستم سده آمریکا بود سده بیست‌ویکم چه بسا که از آن چین باشد. جهش و رشد اقتصادی چین در

○ «قدرت نرم» توانایی يك کشور است در وادار کردن کشورهای دیگر به این که همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد، آن هم از راه جاذبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک که خود در اختیار دارد. به سخن دیگر، قدرت نرم به آن گروه از توانمندیها و توانایی‌های يك کشور گفته می‌شود که با به کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، آرمان یا ارزشهای اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد.

### تعریف قدرت نرم و جایگاه آن در روابط بین‌الملل

«قدرت (power) از مفاهیم اصلی علم سیاست است که به معنای توانایی دارنده آن است برای تسلیم دیگران در برابر خواسته‌های خود، به هر شکلی»<sup>۱</sup>. از دیدگاه «نای» قدرت به دو بخش قدرت سخت و قدرت نرم بخش می‌شود.

«(قدرت سخت) (hard power) بر شالوده تواناییهای اقتصادی و نظامی به کار می‌رود و «قدرت نرم» (soft power) توانایی يك کشور است در وادار کردن کشورهای دیگر به این که همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد، آن هم از راه جاذبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک که خود در اختیار دارد».<sup>۲</sup> به سخن دیگر، قدرت نرم به آن گروه از توانمندیها و توانایی‌های يك کشور گفته می‌شود که با به کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، آرمان یا ارزشهای اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد. جنس قدرت، در قدرت سخت؛ واداری (force) و در قدرت نرم؛ خرسند کردن (appeasement) است. «منابع قدرت نرم در سطح بین‌المللی را می‌توان ایدئولوژی، ارزشهای موجود در فرهنگ، کارکرد و سیاستهای داخلی کشورها و نیز افکار همگانی و سازمان ملل متحد دانست».<sup>۳</sup>

هر چند هنوز بر تری نظامی هر کشوری، بی تردید عامل بسیار مهمی است که اثر خود را همچنان بر کارایی دیپلماسی کشورها نگاه داشته، اما نیروی علمی و اقتصادی و نفوذ فرهنگی - که به آنها «قدرت نرم» گفته می‌شود - ابزارهای تازه دیپلماسی نو است و امروزه در خدمت رسیدن به همان اهدافی به کار می‌روند که پیش از این اهداف کشور گشایی نظامی بودند. به سخن دیگر، تنها ترکیب بسیار پیچیده و دقیقی از سطح فناوری علمی، توان اقتصادی و فرهیختگی فرهنگی يك ملت است که امکان می‌دهد آن کشور در ازمدت نیروی نظامی مناسب را پدید آورد و آن را برای تأمین امنیت خود به کار گیرد.

«قدرت نرم» از مفاهیم کمابیش تازه در روابط بین‌الملل است که با پایان یافتن الگوهای دوران جنگ

که در سالهای آتی می تواند سبب کاهش قدرت نرم این کشور شود نیز مورد بررسی قرار گیرد.

### الف - اجتماعی

آنچه که اجتماع يك کشور را می سازد فرهنگ، تمدن، زبان، دین، هنر، رسانه، دانش و ورزش آن کشور است. سهم بزرگ این حوزه در افزایش قدرت نرم چین سبب شده است تا بسیاری از مراکز پژوهشی آمریکا توجه خود را بر آن متمرکز سازند و درصدد پیدا کردن دقایق و ظرایف این فرهنگ پیچیده برآیند. بی گمان بررسی فرهنگ و تمدن چند هزار ساله چین و نقش آن در بافت قدرت نرم این کشور در نوشتار کوتاهی مانند این پژوهش امکان پذیر نیست و نیاز به تدوین کتاب و رساله ای جداگانه دارد. با وجود این، خواهیم کوشید تا نگاهی نیز به این عامل بیندازیم.

#### ۱- فرهنگ و تمدن چین

کشور باستانی چین از پیشینه ای بسیار درخشان برخوردار است که در ترکیب اندیشه های کنفوسیوسی با ارزشها و سنن تمدن چند هزار ساله ی چینی نمود یافته است. امری که یکی از اهرمهای مؤثر پکن در راهبرد «قدرت نرم» شمرده می شود.

«دولت چین، سرزمین اصلی این کشور را کانون تمدن چینی می داند و از همه جوامع چینی انتظار دارد که خود را با آن تطبیق دهند. در شرایط کنونی پکن به دنبال تحکیم موقعیت خود به عنوان نماینده تمدن چین در سراسر جهان است. از لحاظ تاریخی، این هویت با درجات ارتباطی مختلف، با اقتدار مرکزی دولت چین هم سازگاری داشته است. حس هویت فرهنگی، هم تسهیل کننده و هم معلول توسعه روابط اقتصادی میان «چین های» مختلف است و به نوبه خود عنصر اصلی شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی در سرزمین اصلی چین و کشورهای دیگر به حساب می آید و همین امر، محرک مادی و روانی را برای پیشبرد هویت فرهنگی چین فراهم آورده است. از این رو «چین بزرگ» (Great China) يك مفهوم صرفاً انتزاعی نیست، بلکه واقعیتی فرهنگی و اقتصادی است که با شتاب در حال رشد است

○ هر چند هنوز برتری نظامی هر کشوری، بی تردید عامل بسیار مهمی است که اثر خود را همچنان بر کارایی دیپلماسی کشورها نگاه داشته، اما نیروی علمی و اقتصادی و نفوذ فرهنگی - که به آنها «قدرت نرم» گفته می شود - ابزارهای تازه دیپلماسی نو است و امروزه در خدمت رسیدن به همان اهدافی به کار می روند که پیش از این اهداف کشور گشایی نظامی بودند.

سالهای گذشته بسیاری از نگاهها را متوجه خود ساخته است. بسیاری آن را الگوی خود می شمارند و گروهی نیز این پیشرفت را موقتی می دانند که پس از مدتی فروکش خواهد کرد. «در این میان نکته ای که کمتر به آن پرداخته می شود و حتاً کنگره آمریکا نیز به گفته نای از آن غافل ماند، قدرت نرم چین است. قدرتی که پیش از آنکه در تجهیزات نظامی و تصرف سرزمینها نمود داشته باشد در فرهنگ، ارزشها، آداب و رسوم، آرمانهای يك کشور و تسخیر قلبها و اندیشه ها یافت می شود. بر پایه نظر سنجی چندی بیش بی بی سی در ۲۲ کشور جهان، کمابیش نیمی از پاسخ دهندگان، به چین با دید مثبت می نگرستند؛ در حالی که تنها ۳۸ درصد نسبت به آمریکا دید خوشی داشتند». <sup>۵</sup> این آمار به خوبی نشان می دهد که قدرت نرم چین پایه پای اقتصاد این کشور رو به رشد است و در صورت بی توجهی به این روند پدیده های فرهنگی آن نیز مانند فرآورده های اقتصادی می تواند بازار جهانی را از آن خود کند. از این رو ایالات متحده با توجه بیشتری به این امر از چندی پیش درصدد چاره اندیشی برآمده است.

قدرت نرم چین که نگرانی ایالات متحده را برمی انگیزد در سه حوزه گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در خور بررسی است. در این نوشتار می کوشیم تا نه تنها این سه حوزه، بلکه چگونگی زمینه سازی در سالهای گذشته برای افزایش قدرت نرم چین و نیز آنچه

و اینک در حال تبدیل شدن به يك واقعیت سیاسی است»<sup>۶</sup>.

## ۲- آیین کنفوسیوس

«در ابتدای قرن بیستم، روشنفکران چینی، مستقل از دیدگاه‌های وبر اما همسو با او، آیین کنفوسیوس را دلیل اصلی عقب‌ماندگی چین می‌دانستند. در پایان قرن بیستم، رهبران سیاسی چین، همصدا با جامعه‌شناسان غربی، آیین کنفوسیوس را به‌عنوان عامل پیشرفت چین مورد تکریم قرار دادند. در دهه ۸۰ قرن بیستم، دولت چین نسبت به آیین کنفوسیوس توجه بیشتری نشان داد و رهبران حزب آن را «جریان غالب» فرهنگ چینی اعلام کردند. در خارج از مرزهای چین نیز آیین کنفوسیوس مورد توجه عمیق «لی کوان یو» قرار گرفت و او که این آیین را منشأ پیشرفت سنگاپور می‌دانست، در سراسر جهان به تبلیغ ارزشهای کنفوسیوسی پرداخت. در دهه ۹۰، دولت تایوان خود را «میراث‌دار اندیشه کنفوسیوسی» خواند و رئیس‌جمهور این کشور «لی تنگ-هوئی» (Lee Teng-hui) ریشه‌های دموکراتیزه کردن تایوان را با توجه به این میراث فرهنگی چینی، به «کائویائو» (Kao Yao) در قرن بیست و یک پیش از میلاد، کنفوسیوس در قرن پنجم پیش از میلاد و «منسیوس» (Mencius) در قرن سوم پیش از میلاد نسبت داد. رهبران چین هم در توجیه استبداد و هم در توجیه دموکراسی، مشروعیت لازم را نه در مفاهیم وارداتی غرب، بلکه در فرهنگ چینی جستجو می‌کنند»<sup>۷</sup>.

فشرده سخن آن که آیین کنفوسیوسی که بخش بسیار بزرگی از مردمان خاور آسیا با آن شناخته می‌شوند، یکی از مؤثرترین راهبردهای چین در عرصه «قدرت نرم» است.

## ۳- ادبیات و زبان چینی

زبان چینی یا ماندارین (Mandarin) نه تنها یکی از ۵ زبان اصلی جهان است بلکه بیشتر جهانیان نیز با این زبان حرف می‌زنند. «براساس آماری که در سال ۱۹۹۳ منتشر گردید گویشوران زبان ماندارین، ۱۵/۲ درصد جمعیت جهان و تقریباً دو برابر انگلیسی‌زبانها بودند و

۳/۶ درصد دیگر از جمعیت جهان هم به زبانهای دیگر خانواده زبان چینی سخن می‌گفتند»<sup>۸</sup>. بر خوردار بودن از چنین زبانی سبب شده است تا بر «قدرت نرم» چین افزوده شود.

«یوئی شیائویان» (Yue Ziaoyan) آموزگار مدرسه زبان ماندارین در سنگاپور در مورد این زبان می‌گوید: «هر روز شمار بیشتری از مردمان می‌فهمند که چینی در واقع زبان خیلی مهم است»<sup>۹</sup>. در بسیاری از کشورهای خاور آسیا، دولت‌ها جهت کاهش آهنگ غربی شدن و منصرف کردن جوانان از کاربرد زبان انگلیسی، جنبشی را برای گسترش زبان ماندارین پایه‌گذاری کرده‌اند. «سنگاپور از جمله این کشورهاست که از سال ۱۹۷۹ هر سال ماه اکتبر را «ماه ماندارین» می‌نامد و مراسمی را برای بازگشت به سنت‌های آسیایی برپا می‌دارد»<sup>۱۰</sup>. «دولت تایلند نیز زبان چینی را در سالهای گذشته جدی گرفته است و از دولت چین درخواست فرستادن آموزگاران چینی زبان را کرده است. در هفته دوم ژانویه ۲۰۰۶ معاون وزیر آموزش چین «ژانگ شین‌شنگ» (Zhang

## ○ جهش و رشد اقتصادی چین در سالهای

گذشته بسیاری از نگاه‌ها را متوجه خود ساخته است. بسیاری آن را الگوی خود می‌شمارند و گروهی نیز این پیشرفت را موقتی می‌دانند که پس از مدتی فروکش خواهد کرد. در این میان نکته‌ای که کمتر به آن پرداخته می‌شود و حتا کنگره آمریکا نیز به گفته‌ی نای از آن غافل ماند، قدرت نرم چین است. قدرتی که پیش از آنکه در تجهیزات نظامی و تصرف سرزمینها نمود داشته باشد در فرهنگ، ارزشها، آداب و رسوم، آرمانهای یک کشور و تسخیر قلبها و اندیشه‌ها یافت می‌شود.

کنند. «در ۲۰۰۴ شمار گردشگران چین به شکلی رؤیایی به ۱۷ میلیون نفر رسید که بی سابقه بود». ۱۴ حضور ۲/۴ میلیون چینی در آمریکا و محله‌ها و رستورانهای ویژه غذاهای چینی را می توان از عواملی شمرد که به تبلیغ برای چین و تشویق سفر به این کشور کمک کرده است. فرآورده‌های ریز و درشت چینی از اسباب بازیهای گوناگون و رنگارنگ گرفته تا منسوجات و کالاهای صنعتی چینی عامل دیگری است که فرهنگ و جامعه چین را به سراسر جهان شناسانده است و بر جذابیت‌های آن در سالهای گذشته افزوده‌اند.

#### ۵- فیلم و سینما

پیش از این پندار موجود نسبت به چینی‌ها يك ملت ژنده‌پوش، دچار بدی تغذیه و کشوری پر جمعیت بود که می‌خواستند باورهای سوسیالیستی و انقلاب سیاسی خود را به دیگر کشورها صادر کنند. این نگاه در دهه‌های گذشته رفته رفته دگرگون شد. این دگرپرسی هر چند نه یکسره اما تا اندازه‌ای برآمده از خلاقیت‌های هنری و بهره‌گیری چین از رسانه و فیلم بوده است. «خلاقیت هنرپیشه‌های تازه چینی آن چنان است که گذشته از جذب تماشاچیان به فرآورده‌های فرهنگی

(Xin-Sheng) با سفر به بانکوک این درخواست را پاسخ گفت و بیمانی را برای کمک به تربیت ۱۰۰۰ آموزگار زبان ماندارین در هر سال برای تایلند امضا کرد. چین همچنین با اختصاص بورسیه به ۱۰۰ دانشجوی تایلندی برای ادامه تحصیل در چین و نیز آموزش زبان چینی با ۵۰۰ داوطلب جوان در تایلند امکان گسترش زبان چینی را بیش از پیش فراهم آورد». ۱۱

«زبان چینی همچنین در میان جوانان آمریکان نیز طرفدار دارد و فراگیری این زبان در میان دانشجویان آمریکایی با استقبال خوبی مواجه بوده است. در فاصله سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ در بین زبانهای مختلف، افزایش یادگیرندگان زبان چینی در میان دانشجویان آمریکایی ۴۸/۶٪ (۱۶،۸۹۱ نفر) بوده است». ۱۲ «از سوی دیگر دادن جایزه نوبل به رمان‌نویس چینی «شینگ جیان» در سال ۲۰۰۰ بار دیگر قدرت ادبی نویسندگان چینی را نشان داد و یاد اثر جاودانه «لی خوان» (۱۹۳۶-۱۸۸۱) یعنی «دفتر خاطرات مرد دیوانه و دیگر روایتها» و نیز «خاک خوب» نوشته «پرل سی باک» را که از برترین آثار ادبی جهان هستند زنده کرد». ۱۳ هر چند ادبیات چین به نسبت غرب چندان قوی نیست اما گرفتن جوایزی همچون نوبل می‌تواند دولت را به سیاستگزاری در این امر برانگیزاند.

#### ۴- موقعیت ممتاز فرهنگی - گردشگری

چین تاریخی کهن دارد. این سرزمین گاه یکپارچه و گاه مانند چند کشور جدا از هم بوده است. این کشور پیش از همه با شخصیت‌های سیاسی آن در جهان شناخته می‌شود. «سون یات سن» پدر جمهوری و بنیانگذار چین مدرن، «مائو تسه تونگ» ثورسین مارکسیست-لنینیست و بنیانگذار جمهوری خلق چین، «دنگ شیائو پینگ» و «چوئن-لای» از شخصیت‌های سیاسی چین هستند که کشور چین در هر جای جهان با نام آنها شناخته می‌شود. وجود چنین شخصیت‌هایی در کنار تاریخی از امپراتوریهای کهن که امروزه تنها نام و آثاری همچون دیوار چین از آنها بر جای مانده، سبب شده است تا بسیاری از گردشگران و پژوهشگران جهت آشنایی هر چه بیشتر با فرهنگ و تاریخ چین به این کشور سفر

#### ○ در ابتدای قرن بیستم، روشنفکران

چینی، مستقل از دیدگاه‌های وبر اما همسوبا او، آیین کنفوسیوس را دلیل اصلی عقب ماندگی چین می‌دانستند. در پایان قرن بیستم، رهبران سیاسی چین، همصدا با جامعه شناسان غربی، آیین کنفوسیوس را به عنوان عامل پیشرفت چین مورد تکریم قرار دادند. در دهه ۸۰ قرن بیستم، دولت چین نسبت به آیین کنفوسیوس توجه بیشتری نشان داد و رهبران حزب آن را «جریان غالب» فرهنگ چینی اعلام کردند.

○ در حوزه دانش آنچه می تواند بر جذابیت يك کشور در جهان بیفزاید، سهم آن در تولید دانش و دانشگاه‌های آن است. هر چند دانشگاه‌های چین از نظر بین‌المللی از جایگاهی بسیار بالا همچون دانشگاه‌های آمریکا و انگلیس برخوردار نیستند اما در قاره آسیا پس از ژاپن از بهترین دانشگاه‌ها شمرده می شوند. «چین با داشتن ۱۰۵۴ دانشگاه دهمین کشور جهان از نظر شمار دانشگاه‌ها شمرده می شود».

۱۹۹۵ «شیوان کا» رهبر ارکستر موسیقی باستانی «نه‌شی» (منطقه‌ای در ناحیه لی جیان چین) در ۱۱ کشور اروپایی مانند انگلستان، نروژ، آلمان، فرانسه، ایتالیا بر نامه‌هایی را اجرا کرده است. «شیوان کا» همچنین در دانشگاه‌های آکسفورد، لندن و دانشگاه موسیقی سلطنتی انگلستان گزارش‌های دانشگاهی بسیاری درباره موسیقی باستانی «نه‌شی» به دست داده که سبب توجه بسیاری از محافل موسیقی بین‌المللی به موسیقی چین شده است.<sup>۱۹</sup>

#### ۷- رسانه‌های چین

«بنا بر آمار موجود در سال ۱۹۸۶ از هر دو خانه در پکن و شانگهای یکی از آنان دارای تلویزیون بود. برآورد می شود که در چین بالغ بر ۱۰۰ میلیون دستگاه تلویزیون و ۶۰۰ میلیون نفر تماشاگر بالقوه وجود داشته باشد. نگاه چین به رسانه تا سالها متأثر از بدگمانی نسبت به نفوذ غرب بود. در اوایل دهه ۹۰ این کشور نه تنها نسبت به دنیای خارج گشایش و حسن سلوک نشان داد و به شرکت‌هایی همچون «مترو گلدین»، «مایر / یونایتد آر تیست»، «پارامونت پیکچرز» و «یونیورسال استودیو» اجازه داد به مقیاس نسبتاً وسیعی فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی خود را در چین بخش کنند بلکه

چینی، بر جنبه‌هایی از فرهنگ خود آمریکا نیز اثر گذاشته است. امروزه در بسیاری از خیابانهای شهرهای آمریکا پسرانی را می توان دید که خود را به حروف و نمودهای چینی خالکوبی کرده‌اند که حتا معنای آن را هم نمی دانند».<sup>۱۵</sup> «در حوزه فیلم و سینما، فیلم «بیر خفته، ازدهای پنهان» در ۲۰۰۴ بیشترین فروش فیلم‌های غیرانگلیسی را در آمریکا و دیگر کشورهای اروپایی به دست آورد. بسیاری از بازیگران چینی و سازندگان صحنه‌های مهیج مانند جکی چان (چینی تبار)، «ژانگ زی یی» (Zhang Ziyi) و «ژانگ ییمو» (Zhang Yimou) امروزه شهرت جهانی پیدا کرده‌اند».<sup>۱۶</sup> و با نام خود فرهنگ چین را به گوشه و کنار جهان معرفی می کنند. در جشنواره‌های بین‌المللی نیز فیلم‌سازان چینی توانسته‌اند تا جوایزی را از آن خود کنند. «وان شیائو شویی» از کارگردانان چینی است که آثار هنری اش بیش از آنکه در چین مورد توجه قرار گیرد در بیرون از کشور با استقبال روبه‌رو شده است. فیلم «چین هون» ساخته او در جشنواره کن فرانسه جایزه ویژه کمیته ارزیابی را از آن خود کرد.<sup>۱۷</sup> «آنگ لی» از دیگر کارگردانان جهانی است که چینی تبار است. فیلم «کوه بروک بک» او نه تنها برای نخستین بار جایزه اسکار را از آن يك آسیایی کرد بلکه توانست جایزه بهترین کارگردان را نیز در هفتاد و هشتمین مراسم اعطای جایزه اسکار آمریکا برای این کارگردان چینی تبار به ارمغان بیاورد.<sup>۱۸</sup>

هر چند سینمای چین برای رسیدن به جایگاه هالیوود آمریکا راه زیادی در پیش دارد اما فیلم‌ها و بازیگران چینی رفته رفته جای خود را در میان تماشاگران خارجی پیدا می کنند که این امر می تواند بر محبوبیت بیش از پیش چین در این عرصه بیافزاید.

#### ۶- موسیقی

برعکس آمریکا و کشورهای اروپایی که توانسته‌اند آهنگ‌سازان و خوانندگان مشهوری را به جهان عرضه کنند موسیقی چین بسیار محدود مانده و توجه کمی را به خود جلب کرده است. اما این پهنه نیز در سالهای گذشته به تکاپوی تازه‌ای افتاده است. برای نمونه «از سال

دانشگاههای آمریکا و انگلیس برخوردار نیستند اما در قاره آسیا پس از ژاپن از بهترین دانشگاهها شمرده می‌شوند. «چین با داشتن ۱۰۵۴ دانشگاه دهمین کشور جهان از نظر شمار دانشگاهها شمرده می‌شود».<sup>۲۴</sup> «همچنین از نظر شمار دانشجو پس از آمریکا، هند و ژاپن این کشور بیشترین شمار دانشجو را در جهان دارد».<sup>۲۵</sup>

«هرچند از میان ۱۰۵۴ دانشگاه چین تنها ۱۸ دانشگاه آن در شمار ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان شمرده می‌شود»<sup>۲۶</sup> ولی استقبال از دانشگاههای چینی در میان جوانان آسیایی زیاد بوده است. «امروزه پذیرش دانشجویان بیگانه در چین از ۳۶۰۰۰ نفر در دهه گذشته به سه برابر یعنی ۱۱۰,۰۰۰ نفر افزایش یافته است».<sup>۲۷</sup> دولت چین در سالهای گذشته برای گسترش زبان و فرهنگ خود اقدام به بورسیه کردن شمار بیشتری از دانشجویان بیگانه که بیشترشان از کشورهای جهان سوم بودند کرده است. به راستی سرمایه‌گذاری شدید این کشور در آموزش زبان چینی، گسیل داشتن آموزگار به نقاط گوناگون و میزان جذب دانشجو را می‌توان گام تازه‌ای در افزایش «قدرت نرم» این کشور دانست. «از آغاز مبادلات آموزشی در میانه دهه‌های ۱۹۵۰ و ۲۰۰۰، شمار ۵۵۸۲ دانشجوی آفریقایی در دانشگاههای چین نام‌نویسی کرده‌اند. این دانشجویان دو سال چینی یاد می‌گیرند سپس موضوعات فنی به ویژه رشته‌های مهندسی می‌خوانند. امروزه نیمی از دانشجویان آفریقایی [در چین] دوره‌های عالی را می‌گذرانند. این حمایت آموزشی پرستیژ چین در بسیاری از کشورها را بهبود می‌بخشد، حمایت توده در جوامع محلی را در پی دارد و درك بهتری از چین در میان نخبگان پدید می‌آورد. این برنامه‌های آموزشی افزون بر نشان دادن حسن نیت چین، به این کشور کمک می‌کند تا نیروی کار مورد نیاز برای گسترش صنایع پیشرفته خود را فراهم آورد».<sup>۲۸</sup> امروزه ترجمه کتابهای چینی در ویتنام مقام نخست را دارد و آمارها نشانگر رواج فیلمها و نمایشهای چینی در کشورهای آسیای جنوب شرقی است. از نظر سهم جهانی چین در ارائه تکنولوژیهای تازه

○ قرار است تا ۲۰۰۸ چین فضایی سر نشین دار «شن جو ۷» را که ساخت راکت حامل آن آغاز شده است به فضا پرتاب کند. چین نخستین ماهواره اش با نام «دنگ فنگ هنگ يك» را در سال ۱۹۷۰ به مدار زمین فرستاد و پنجمین دولتی بود که به این توانایی دست یافت. چین همچنین سومین کشور جهان (پس از روسیه و آمریکا) در فرستادن انسان به فضا در ۲۰۰۳ است.

خود نیز با «مایکل جی سالومون»، مدیر «لوریمار تله پیکچر» موافقتنامه‌هایی جهت تهیه برنامه‌های تلویزیونی غیر چینی در شانگهای امضا کرد».<sup>۲۰</sup> «سالومون» پیش از این نیز قرارداد ۵ ساله‌ای را با چین به امضا رسانده بود.

امروزه روزنامه‌ها و مجلات گوناگونی در چین چاپ می‌شوند که از آن میان «چاینادیلی» (China Dai) یکی از پرطرفدارترین روزنامه‌ها است. «این کشور همچنین در زمینه کاربرد اینترنت و فضاهای مجازی نیز از جایگاهی والا برخوردار است. مردم چین با ۸ ساعت مطالعه در هفته سومین کشور آسیا پس از هند و تایلند شمرده می‌شوند».<sup>۲۱</sup>

هرچند چین از نظر شمار کامپیوترهایش مقام هشتم را پس از ایالات متحده، ژاپن، آلمان، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و کانادا داراست»<sup>۲۲</sup> «ولی مردمان این کشور پس از شهروندان آمریکا بیشترین کاربران اینترنتی در جهان هستند».<sup>۲۳</sup>

#### ۸- دانش و دانشگاه

در حوزه دانش آنچه می‌تواند بر جذابیت يك کشور در جهان بیفزاید، سهم آن در تولید دانش و دانشگاههای آن است. هرچند دانشگاههای چین از نظر بین‌المللی از جایگاهی بسیار بالا همچون

پیشینه فنی بیشتری از چین دارند به چنین پیشرفتی دست نیافته اند.

در همین زمینه «چین اعلام کرده است که در نظر دارد تا ایستگاه فضایی ویژه‌ای را راه‌اندازی کند و یک گروه انسانی را تا ۲۰۲۰ به کره ماه بفرستد».<sup>۳۳</sup> چنین کاری توجه بیشتری را متوجه چین خواهد ساخت. ولی در برخی حوزه‌های تکنولوژی، چین هنوز در پشت سر ایالات متحده و اتحادیه اروپا قرار دارد. همان‌گونه که بسیاری نیز می‌دانند تکنولوژی تولیدی چین اهمیت اندک و رو به کاهش نسبت به پیشرفت تکنولوژی و موج بزرگ غرب دارد. «تکنولوژی امروز تولیدی چین برگرفته از نسخه‌های اروپایی آن است. ولی باید گفت که در عصر جهانی شدن هیچ کشوری بهتر از چینی‌ها نتوانسته است اختراعات دیگران را جذب کرده و حتا در برخی زمینه‌ها از خود آنها جلو تر برود».<sup>۳۴</sup>

بر سر هم بررسی‌ها نشان می‌دهد که چین به سرعت در دانش و پژوهش و تکنولوژی‌های مدرن رو به پیشرفت است. «چین میلیونها دلار در حوزه‌هایی مانند بیوتکنولوژی و تکنولوژی اطلاعات پرداخت کرده است. در بخش پژوهش و توسعه، دولت چین امروز بیش از سه برابر سال ۱۹۹۸ پرداخت می‌کند. شمار

باید گفت که در دوره‌های امپراتوری چین، این کشور بسیاری از مهمترین تکنولوژی‌های پیشرفته را به جهان عرضه کرده است. «چینی‌ها باروت، کاغذ، چاپ، قطب‌نما و ساعت مکانیکی را اختراع کردند. فراموش نکنیم این چینی‌ها بودند که برای نخستین بار پایه‌گذار پول کاغذی بودند و بر پایه آن بازرگانی میان بخشهای گوناگون جهان گسترش یافت».<sup>۳۹</sup>

به گفته «دیک موریس» (Dick Morris) «کلید رشد تکنولوژی در آینده، اینترنت و ارتباطات جهانی خواهد شد. دستیابی به اطلاعات، کلید گسترش دانش و نظرات تکنولوژیکی شمرده می‌شود».<sup>۳۰</sup> دسترسی بیش از ۸۰ میلیون چینی به اینترنت و بهره‌مندی از آن می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای رشد دانش و تکنولوژی در این کشور در آینده فراهم آورد. اکنون چین توانسته است به بسیاری از تکنولوژی‌های روز جهان که داشتن آن می‌تواند بر پرستیژ یک کشور بیفزاید دسترسی پیدا کند. تکنولوژی‌های مربوط به فضا از این موارد است.

«در ۱۲ مه ۲۰۰۶ روزنامه «مردم» چاپ چین گزارش داد که ماهواره کنترل از راه دور چین با موفقیت در مدار قرار گرفته است. این ماهواره که ۲۷ آوریل از مرکز پرتاب ماهواره‌ای «تای یوان» چین پرتاب شده بود، پس از ۱۲ روز گردش به دور زمین، مراحل نخستین پرواز را انجام داد و در جای خود قرار گرفت. داشتن چنین ماهواره‌ای برای چین می‌تواند به گسترش زمینه‌های آزمایش علمی، بررسی منابع زمینی، بر آورد میزان تولیدات کشاورزی و پیشگیری و کاهش بلایای طبیعی این کشور کمک کند».<sup>۳۱</sup> امروزه شمار کمی از کشورها از این تکنولوژی برخوردارند و این امر می‌تواند بر حس غرور چینی‌ها بیفزاید. «همچنین قرار است تا ۲۰۰۸ چین فضایی‌سرنشین‌دار «شن جو ۷» را که ساخت راکت حامل آن آغاز شده است به فضا پرتاب کند».<sup>۳۲</sup> چین نخستین ماهواره‌اش با نام «دنگ‌فنگ هنگ یک» (Dong Fang Hong One) را در سال ۱۹۷۰ به مدار زمین فرستاد و پنجمین دولتی بود که به این توانایی دست یافت. چین همچنین سومین کشور جهان (پس از روسیه و آمریکا) در فرستادن انسان به فضا در ۲۰۰۳ است. هنوز فرانسه، آلمان و انگلیس که قدرت و

○ چین با اقتصاد رو به رشد و نفوذ استراتژیکی‌اش پیوسته در پی گسترش حضور خود در منطقه آسیای جنوبی است. ارزش تجارت کنونی چین با دولتهای جنوب آسیا به نزدیک ۲۰ میلیارد دلار آمریکا در سال می‌رسد. تجارت دو جانبه این کشور با هند سالانه تنها نزدیک به ۱۳/۶ میلیارد دلار است، که در ۲۰۱۰ به ۲۵ میلیارد دلار خواهد رسید. بجز دهلی نو، پکن با همه شرکای دیگر از جمله نپال، پاکستان و سریلانکا مازاد تجاری دارد.



که مدارک و شواهد از کاهش نسبی توانایی‌های ایالات متحده در همان زمینه خبر می‌دهند».<sup>۳۸</sup>

### ب - اقتصادی

«آنچه که بیشتر به جذابیت چین در میان کشورهای جهان بویژه در آسیای جنوب خاوری کمک کرده است اقتصاد این کشور است».<sup>۳۹</sup> «تولید ناخالص داخلی چین برای بیش از ۲۵ سال دست کم ۹ درصد در سال رشد کرده است. امروزه این کشور پنجمین اقتصاد بزرگ جهان را داراست. اما درآمد سرانه‌اش تنها ۱۷۰۰ دلار یا یک بیست و پنجم ایالات متحده است. اگر هر دو کشور به نرخ رشد کنونی خود ادامه دهند ممکن است تمام اقتصاد چین در ۳۰ سال بیش از آمریکا شود؛ اما درآمد سرانه آمریکا ۴ برابر بیشتر باقی خواهد ماند».<sup>۴۰</sup>

«چین اکنون سومین شریک تجاری و دومین بستانکار بزرگ آمریکا است و این امکان را پیدا کرده تا با ابزار دامپینگ (Dumping) و گنجینه دلارش به آمریکا ضربه بزند، هر چند در این کار خود نیز زیان خواهد دید اما داشتن چنین توانی نشان از ضربه‌پذیری اقتصاد آمریکا در برابر چین دارد».<sup>۴۱</sup>

«تجارت جهانی چین در ۴ سال گذشته با نرخ میانگین سالانه بیش از ۲۹/۵ درصد رشد چشمگیری داشته است».<sup>۴۲</sup> «سهم صادرات پکن ۳/۷ درصد و سهم واردات آن در ۲۰۰۵، ۳/۶ درصد از تجارت جهانی بوده

نوشته‌های علمی پژوهشی نیز در همان دوره دو برابر شده است. به گفته متخصصین، چین ممکن است تا ۲۰۱۰ نسبت به آمریکا مهندسان بیشتری با مدرک دکترا از دانشگاه‌های خود بیرون دهد. امروزه بسیاری از شرکت‌های بیگانه سرگرم برپایی مراکز پژوهشی در چین برای هزینه‌های پایین، حمایت دولت و پژوهشگران ماهر چینی هستند».<sup>۳۵</sup>

### ۹- ورزش

در دهه‌های گذشته پکن سرمایه‌گذاری بسیار سنگینی در بخش ورزش کرده است به گونه‌ای که در بسیاری از رشته‌های ورزشی مانند شنا، پینگ‌پنگ، ژیمناستیک، بسکتبال، بوکس و... در مسابقات قاره‌ای، جهانی و المپیک همواره در رتبه‌های برتر بوده است. «برای نمونه «پائومینگ» ستاره چینی در مسابقات «بسکتبال ملی آمریکا» (NBA) به سرعت به نامی آشنا برای همه آمریکاییها تبدیل می‌شود و می‌تواند «مایکل جردن» دیگری برای این کشور به‌شمار آید».<sup>۳۶</sup>

میزبانی بازیهای المپیک در ۲۰۰۸ (پس از ناکامی پکن در میزبانی المپیک ۲۰۰۰) فرصت دیگری جهت افزایش قدرت نرم چین و معرفی این کشور به جهانیان است که از مدت‌ها پیش کارگزاران چین خود را برای برگزاری هر چه بهتر این مسابقات آماده می‌کنند.

آنچه از بررسی در حوزه اجتماع به دست می‌آید این است که پراکندگی چینی‌ها در جهان بویژه در کشورهای جنوب خاوری آسیا مانند مالزی، سنگاپور، اندونزی، تایلند و سراسر جهان غرب سبب شده است تا فرهنگ چینی به جایگاه مهمی بویژه در ویتنام، کره، ژاپن و دیگر کشورهای آسیایی دست یابد. کشورهای آسیای خاوری از بسیاری از عناصر چینی از فلسفه و زبان گرفته تا تکنولوژی و حمایت نظامی چین برخوردار شده‌اند. «ایده‌های کنفوسیوس‌گرایی که از چین آغاز شده است، اثر بزرگی بر زندگی ژاپنی‌ها، کره‌ای‌ها و چینی‌های ساکن در دیگر کشورها گذاشته است».<sup>۳۷</sup> به باور «کرلانتزیک» پژوهشگر نهاد مطالعاتی کارنگی و خبرنگار ویژه مجله «نیورپابلیک» همه این دگرگونیها برآمده از افزایش قدرت نرم پکن، هنگامی رخ می‌دهد

○ چین منافع اقتصادی گسترده‌ای در خاورمیانه دارد. هر چند در دوران جنگ سرد نگاه کشورهای مسلمان منطقه به چین در چارچوب یک کشور کمونیستی چندان مثبت نبوده است اما امروزه با توجه به رویکرد غیر ایدئولوژیک چین در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد بین‌الملل، این کشور شریکی مطمئن برای کشورهای منطقه خاورمیانه شده است.

○ در مورد سیاستهای مهاجرتی چین باید گفت که یکی از سیاستهای چین در سالهای گذشته تشویق کردن شهروندان خود به کوچ کردن بویژه در چارچوب روابط مرزی با همسایگان (که تا دو دهه پیش خط قرمز به شمار می‌رفت) بوده است که به گسترش فرهنگ، بازرگانی و آموزش و یادگیری زبان چینی کمک شایانی کرده است.

در حوزه انرژی است. زیرا نفت از سوی کشورهای به چین سرازیر می‌شود که دولتمردان واشنگتن، آنها را رژیمهای در دسرساز به شمار می‌آورند.<sup>۴۷</sup>

«الیزابت آلونومی» برقراری روابط سیاسی و تجاری چین با این کشورها و همچنین ونزوئلا، برزیل و برمه را نشانه‌هایی از گسترش قدرت نرم این قدرت جهانی می‌داند.<sup>۴۸</sup>

### نیازهای اقتصادی و گسترش رخنه چین

«از سال ۱۹۷۸ تا به امروز رهبران چین تلاش کرده‌اند اقتصاد یکسره سوسیالیستی شان را به اقتصادی تبدیل کنند که بازار نقش بیشتری در آن داشته باشد. اصلاحات اقتصادی و «سیاست درهای باز» (Open Doors Policy) که تاکنون آهنگ پرشتابی داشته، از راه رونق بخشیدن به بازرگانی خارجی، اصلاحات عمل‌گرایانه و ایجاد زیرساختهای اقتصادی مناسب از جمله مهمترین علل رشد ۸ تا ۹/۵ درصدی تولید ناخالص چین در سالهای اخیر بوده است».<sup>۴۹</sup>

از سویی تأمین نیازهای اقتصادی چین با توجه به روند پرشتابش، سطح روابط تجاری چین را در سالهای گذشته گسترش بخشیده است. در این بخش به نفوذ اقتصادی چین در برخی از مهمترین مناطق جهان - که یکی از مؤثرترین اهرمهای یکن در قدرت نرم شمرده می‌شود - می‌پردازیم.

است. چین امروزه با ۹ میلیارد دلار مازاد تجاری پس از ژاپن در مقام دوم جهان قرار دارد».<sup>۴۳</sup>

افزایش نرخ برابری یوان در برابر دلار آمریکا نیز یکی از پیامدهای رشد پرشتاب اقتصادی چین و بروز چالش با واشنگتن است. واشنگتن خواهان آن است که چین با شناور کردن یوان، امکان افزایش نرخ برابری آن را بدهد تا اجناس وارداتی نیز به بهایی رقابتی‌تر در دسترس خریداران چینی قرار گیرد. در برابر یکن با وجود بهبود بخشیدن به نرخ مبادله یوان، هرگونه بازننگری مهم درباره پول رایج خود را نمی‌پذیرد.

از سوی دیگر گزارشها نشان می‌دهد که چین تنها یک کشور بزرگ صادرکننده صنعتی نیست و می‌کوشد تا صادرکننده تولیداتی با تکنولوژی پیشرفته شود. «در ۲۰۰۵ صادرات کالای پیشرفته چین نزدیک به ۲۱۸ میلیون دلار آمریکا شد. دولت چین همچنین تلاشهای زیادی جهت ورود به بازار صادرات لوازم پزشکی و نرم‌افزاری در سالهای گذشته انجام داده است. ذخایر ناشی از دادوستد تجاری این کشور در فوریه ۲۰۰۶ به ۸۵۳/۸ میلیارد دلار رسید که بیشترین میزان در جهان است».<sup>۴۴</sup>

«چین بزرگترین مصرف‌کننده فولاد، مس، زغال سنگ، سیمان و دومین مصرف‌کننده بزرگ نفت جهان پس از آمریکا است. در ۲۰۰۳ این کشور ۴۰ درصد زغال سنگ و ۳۰ درصد فولاد جهان را مصرف کرد. تا ۲۰۲۴ احتیاجات انرژی چین چهار برابر خواهد شد».<sup>۴۵</sup>

«برای اقتصاد چین نفت از سال ۱۹۹۳ دارای اهمیت بسیار شده است. برآورد می‌شود که ذخایر نفت اثبات شده چین تا ۲۰۱۸ تمام شود».<sup>۴۶</sup> وابستگی چین به واردات نفت، این کشور را ناچار از سرمایه‌گذاری در کشورهای که نه تنها سرشار از نفت هستند بلکه همچنین در دو قطب دوستی یا دشمنی با آمریکا قرار دارند. بدینسان می‌بینیم که استرالیا متحد ثابت آمریکا در ۲۰۰۲ برنده قراردادی ۲۵ میلیون دلاری برای تهیه گاز مایع (LNG) چین شد.

«واردات نفت چین به میزان ۱۴ درصد از ایران و ۶ درصد از سودان نیز نشانه چالش آن کشور به واشنگتن

اقتصادی این منطقه، «موری وایدناوم» (Murray Weid-benbaum) می گوید: «علی رغم سلطه فعلی ژاپن بر منطقه، اقتصاد چین-محور آسیا به سرعت در حال ایجاد يك كانون تازه برای فعالیتهای اقتصادی، تجاری و مالی است. این منطقه استراتژیک، ویژگیهایی به قرار زیر دارد: قابلیت‌های فناوری و صنعتی قابل توجه (تایوان)، ذکاوت بسیار در امور تجاری، بازاریابی و خدمات (هنگ کنگ)، شبکه ارتباطی مطلوب (سنگاپور)، انباشت عظیمی از سرمایه‌های مالی (در هر سه کشور یاد شده) و بهره‌مندی گسترده از زمین، منابع و نیروی کار (سرزمین اصلی چین)<sup>۵۲</sup>». از سوی دیگر ترکیب رشد اقتصادی فزاینده جنوب خاوری آسیا با اشتراکات فرهنگی و تمدنی با چین، ضریب نفوذ اقتصادی چین را به گونه چشمگیری افزایش داده است. «ریشه داشتن توسعه اقتصادی در اشتراکات فرهنگی موضوعی بود که در دومین کنفرانس جهانی بازرگانی چین که در نوامبر سال ۱۹۹۳ در هنگ کنگ برگزار شد مورد تأکید قرار گرفت و از آن به عنوان «بزرگداشت دستاوردهای چینی‌ها با حضور بازرگانان چینی تبار سراسر» جهان یاد شد»<sup>۵۳</sup>.

نکته برجسته این است که برکشیده شدن چین در این منطقه، با کاهش چشمگیر نگاه مثبت افکار همگانی به ایالات متحده همزمان شده است که به نظر می‌رسد این پدیده بر اثر حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و حمله دو سال بعد آمریکا به عراق باشد. «آنه ماری برادی» (Anne - Marie Brady) کارشناس چین در دانشگاه «کانتربوری» نیوزلند در این باره می گوید: «نارضایتی فراوانی درباره سلطه آمریکا در منطقه آسیا-پاسفیک و پیرامون جهان وجود دارد. در پاره‌ای مناطق، چین به عنوان نیروی توازن بخش و يك نیروی غیر خطرناک به نظر می‌رسد. هر کشوری که بتواند در دروی آمریکا بایستد پشتیبانی بسیاری از کشورها را به دست خواهد آورد»<sup>۵۴</sup>. چین به فکر رویارویی با ایالات متحده نیست اما برای نفوذ در برخی مناطق جهان می‌جنگد. چین می‌کوشد تا با افزایش قدرت نرم خود، اقتصاد چین را به الگویی برای دیگر کشورهای منطقه تبدیل کند. «نیک لاردی» (Nick Lardy) اقتصاددان متخصص در زمینه

○ دگرگونیهای نظام بین‌الملل در دوران پس از جنگ سرد سبب شد تا چین در مناسبات بین‌المللی و پیوندهای خود با کشورهای دیگر دگرگونیهای اساسی پدید آورد. چین که از دهه ۱۹۷۰ سیاست نزدیکی به آمریکا را در پیش گرفته بود با فروپاشی شوروی و پیدایش نظام تک قطبی به محوریت آمریکا-کشوری که ماجراهای میدان «تیان آن‌من» را محکوم کرده و پس از آن دست به تحریمهای اقتصادی زده بود- از ۱۹۹۱ رفته‌رفته و با ضرب‌آهنگی پیوسته توان خویش را جهت ایجاد توازن قوا با ایالات متحده آمریکا به کار گرفت.

#### ۱- جنوب خاوری آسیا

جنوب خاوری آسیا کانون جاه‌طلبی‌های ژئوپولیتیکی چین به‌شمار می‌رود. همان جایی که یکن درصدد برپایی حوزه نفوذ دائمی خود است. چین این جاه‌طلبی را با شیوه دیپلماتیک بسیار ماهرانه‌ای با هدف اینکه منطقه را از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی به چین پیوند دهد پیگیری کرده است. همان گونه که «نای» نیز اشاره می‌کند، «گسترش نفوذ چین در خاور آسیا همزمان با برهم خوردن موازنه نظامی با تایوان این موضوع را به مهمترین پدیده‌ای که آمریکا در آسیای خاوری با آن روبرو است، تبدیل کرده است»<sup>۵۵</sup>.

«اقتصاد شرق آسیا، صرف نظر از ژاپن و کره، اقتصادی اساساً چینی است. در توسعه اقتصادی گسترده در سرزمین اصلی چین، کشورهای موسوم به بیرهای چهارگانه (که سه تا از آنها چینی هستند) و نیز در منطقه جنوب شرقی آسیا در دهه ۸۰ و ۹۰، چینی‌ها نقش عمده‌ای بر عهده داشتند. اقتصاد شرق آسیا به‌طور فزاینده‌ای چین-محور می‌شود و تحت تسلط چینی‌ها قرار می‌گیرد»<sup>۵۱</sup>. در زمینه توانمندیها و ویژگیهای

چین می‌گوید: «اقتصاد چین به سبب گرایش به تجارت خارجی، نرخ پس‌انداز بالا و سرمایه‌عظیم کارگران روستایی که جوایز کار در کارخانه‌ها با دستمزدهای پایین هستند، در ۵ الی ۱۰ سال آینده به تندی رشد می‌کند».<sup>۵۵</sup> حجم تجارت خارجی چین که تنها در ۴ ماه نخست ۲۰۰۶ به ۵۱۰ میلیارد دلار رسید و در سنجش با همان دوره در ۲۰۰۵، ۲۴ درصد افزایش داشته است. شاید بتوان تأییدی بر این گفته «نیک لاردی» شمرد.

## ۲- جنوب آسیا

چین با اقتصاد رو به رشد و نفوذ استراتژیکی‌اش پیوسته در پی گسترش حضور خود در منطقه آسیای جنوبی است. ارزش تجارت کنونی چین با دولت‌های جنوب آسیا به نزدیک ۲۰ میلیارد دلار آمریکا در سال می‌رسد. تجارت دو جانبه این کشور با هند سالانه تنها نزدیک به ۱۳/۶ میلیارد دلار است، که در ۲۰۱۰ به ۲۵ میلیارد دلار خواهد رسید. بجز دهلی نو، پکن با همه شرکای دیگر از جمله نپال، پاکستان و سریلانکا مازاد تجاری دارد. اما چین این کسری تجاری را با سرمایه‌گذاری گسترده در توسعه زیربنایی، نیازهای اجتماعی-اقتصادی و بالاتر از همه انرژی‌های شرکای تجاری‌اش جبران می‌کند.

جالب آن است که «در برابر اقدام آمریکا در دادن نیروگاه برق هسته‌ای به هند، چین نیز به پاکستان و بنگلادش برای برآورده کردن نیازهای انرژی‌شان نیروگاه برق هسته‌ای داده است».<sup>۵۶</sup>

## ۳- آسیای مرکزی

«در اواخر سال ۱۹۹۱ به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پنج همسایه جدید یعنی قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان در غرب کشور چین ایجاد گردید که سه کشور اول دارای مرز مشترک با این کشور هستند. آسیای مرکزی به علت موقعیت استراتژیک خود از نظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک به خصوص منابع معدنی غنی، نفت و گاز طبیعی مورد توجه بسیاری از کشورها از جمله چین می‌باشد. در شرایط کنونی چین و جمهوریهای آسیای

مرکزی به مناسبات دو جانبه از دیدگاهی استراتژیک می‌نگرند و با توجه به شرایط تازه جهانی و منطقه‌ای برای آن اهمیت خاصی قائلند. از همین روست که روابط اقتصادی و تجاری چین با ملل آسیای مرکزی در سالهای اخیر توسعه سریعی یافته و به سطح غیر قابل پیش‌بینی رسیده است».<sup>۵۷</sup> چون نیاز به منابع طبیعی جهت تداوم رشد اقتصادی مهمترین عامل توجه چین به کشورهای آسیای مرکزی است، «چین و قزاقستان توافق کرده‌اند تا یک خط لوله منطقه‌ای بکشند. همچنین چین در پروژه‌های برق آبی تاجیکستان و قرقیزستان نیز سرمایه‌گذاری کرده است. جدا از پیوندهای تجاری رو به گسترش، پکن در رسانیدن کمک‌های مالی به کشورهای منطقه شرکتی پویا داشته است. بسیاری از ناظران بر این باورند که جدا از روابط دوستانه رو به تحکیم، چین بیشتر نگران امنیت مرزهایش برای زمانی است که همچون یک قدرت جهانی پا به پهنه نظام بین‌الملل بگذارد».<sup>۵۸</sup>

## ۴- خاور میانه

چین منافع اقتصادی گسترده‌ای در خاور میانه دارد. هر چند در دوران جنگ سرد نگاه کشورهای مسلمان منطقه به چین در چارچوب یک کشور کمونیستی چندان مثبت نبوده است اما امروزه با توجه به رویکرد غیر ایدئولوژیک چین در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد بین‌الملل، این کشور شریکی مطمئن برای کشورهای منطقه خاور میانه شده است. «محدودیت‌های محیطی، وابستگی اقتصادی کشورهای خاور میانه به کشاورزی و نفت خام، سنتی بودن شیوه تولید، کمبود سرمایه و پایین بودن سطح تکنولوژی و در نتیجه پایین بودن بهره‌وری، سخت بر درآمد کشورهای منطقه اثر گذاشته و این کشورها را ناگزیر به روی آوردن به وام گرفتن از خارج برای پوشاندن کسری بودجه نموده است. البته می‌توان پنج کشور نفتخیز و ثروتمند بحرین، عربستان سعودی، قطر، کویت و امارات متحده عربی را در این میان مستثنی دانست».<sup>۵۹</sup>

در برابر، نیاز روزافزون چین به نفت خام و نیز نیاز به فروش فرآورده‌های ارزان و متنوعش مانند لوازم

برگزاری نشستهای پی‌درپی در این زمینه اهمیت فراوانی دارد.

«نشست همکاریهای چین-آفریقا» در ۲۰۰۲ که با کمک مالی چین تشکیل شد فرصتی را برای دولت‌ها و تجار جهت ایجاد مکانیسمی برای بهبود روابط دیپلماتیک، تجارت و سرمایه‌گذاری بین چین و کشورهای آفریقایی فراهم آورد. در همان سال تجارت بین چین و آفریقا برای نخستین بار از مرز ۱۰ میلیارد دلار آمریکا فراتر رفت و به ۱۰/۶ میلیارد دلار رسید. این عدد در دسامبر ۲۰۰۳ به ۱۸/۵۴۵ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد.

«تا ۲۰۰۴، ۶۷۴ شرکت چینی سرگرم فعالیت در آفریقا بودند. نشست دسامبر ۲۰۰۳ آدیس ابابا که در آن «ون جیابائو» نخست‌وزیر چین، «کوفی عنان» دبیر کل سازمان ملل متحد، ۲۵۰ تاجر آفریقایی و ۱۵۰ تاجر چینی شرکت داشتند، در کنار واپسین نشست آنها در اکتبر ۲۰۰۴ که در پکن برگزار شد روند تجارت چین-آفریقا را هر چه بیشتر تقویت کرد». <sup>۶۱</sup> «حکومت چین می‌کوشد تا نوع توسعه اقتصادی و الگوی اصلاحاتش را در آفریقا ترویج دهد. سران چین همتایان حکومتی شان در کشورهای گوناگون آفریقایی را تشویق می‌کنند تا از چین بازدید و از تجربیاتشان بهره‌مند شوند. تلاشهای چین برای تشویق حکومت‌های آفریقایی جهت الگوبرداری از سیستم اقتصادی شان يك شاخص مهم قدرت نرم است که چین امیدوار است به گونه‌ای دلخواه در آفریقا عرضه کند». <sup>۶۲</sup>

«بخشی از موفقیت اقتصادی و گسترش نفوذ چین در آفریقا به شرایط تاریخی و پیشینه این کشور و بخشی دیگر به سیاستهای پکن بازمی‌گردد. چین نیز همچون بسیاری از دولت‌های آفریقایی پیشینه استعمار مستقیم از سوی انگلیس را با خود دارد. چنین پیشینه‌ای به چین اجازه می‌دهد تا خودش را حساس به شأن کشورهای جهان سوم معرفی کند و بر پایه چنین پیشینه استعماری مشترک امید دارد که مردمان آفریقا با نظر مساعد روابط خود را با آن گسترش بخشند». <sup>۶۳</sup>

خانگی، کفش، منسوجات و پوشاک و... در بازار بزرگ خاورمیانه، توجه جدی پکن به این منطقه را در پی داشته است. چین در سالهای گذشته نشستهای اقتصادی منظمی را چه به صورت دوجانبه با کشورهای منطقه مانند ایران، عربستان و چه به صورت چندجانبه مانند نشستهای مشترک با اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و... برگزار کرده است که اثر بسیاری بر روند اعتمادسازی بین هر دو سو داشته است. گسترش روزافزون اقتصاد چین در منطقه حساس و چالش برانگیز خاورمیانه یکی از مؤثرترین راهبردهای پکن در عرصه قدرت نرم شمرده می‌شود که نگرانی شدید جهان غرب بویژه ایالات متحده را برانگیخته است. واشنگتن می‌گوید که اشتیاق چین به نفت خام بر موضع‌گیری این کشور در برابر کشورهایمانند ایران، عراق، عربستان و... اثرگذار بوده است و از سوی دیگر ایجاد مناسبات گسترده اقتصادی این کشورها با چین می‌تواند نیروی تازه و قدرتمندی را در برابر آمریکا قرار دهد و به همان میزان که از وابستگی این کشورها به جهان غرب می‌کاهد در درازمدت بر روشهای سیاسی و نظامی دولت‌های محافظه کار عرب اثر گذارد.

## ۵- آفریقا

یکی از نقاطی که در کوران افزایش نگرانیها درباره نفوذ و به گسترش چین در جهان، توجه پکن را جلب کرده است آفریقا است. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ منافع پکن در ایجاد اتحاد ایدئولوژیکی با دیگر ملل کم توسعه برای گسترش کمونیسم نوع چینی و سد کردن راه امپریالیسم غرب بود. اما پس از پایان جنگ سرد منافع چینی‌ها، رسیدن به اهداف و اقعگر ایانه‌تری مانند تجارت، سرمایه‌گذاری و انرژی است. «از آغاز این دهه، تجارت چین-آفریقا چهار برابر شده است. امروزه چین سومین شریک تجاری بزرگ آفریقا پس از آمریکا و فرانسه و دومین صادرکننده بزرگ به آفریقا پس از فرانسه است. نکته برجسته این است که در هر دو این حوزه‌ها چین جلوتر از انگلیس-قدرت پیشین استعمارگر آفریقا- است». <sup>۶۰</sup> کار دولت چین در

۶- نیمکره باختری دربرگیرنده آمریکای لاتین و کاراییب

«پکن در سالهای گذشته نفوذ سیاسی اقتصادی خود را در آمریکای جنوبی و منطقه کارائیب گسترش بخشیده است. «هو جین تائو» رئیس جمهور چین، در دیداری که در نوامبر ۲۰۰۴ از برزیل، آرژانتین، شیلی و کوبا انجام داد میزان سرمایه‌گذارهای آتی چین را در این کشورها ۱۰۰ میلیارد دلار اعلام کرد. در برابر، کوبا نیز سرگرم چرخش به سوی شرکتهای چینی به جای شرکتهای غربی جهت مدرن‌سازی سیستم ترابری از کار افتاده‌اش با هزینه‌ای بیش از یک میلیارد دلار است. چین پس از ونزوئلا بزرگترین شریک تجاری کوبا در ۲۰۰۵ بود. چین همچنین در حال آموزش دادن به شمار روزافزونی از پرسنل نظامی آمریکای لاتین است و از قانون سه سال پیش آمریکا که به کاهش شدید در برنامه آموزشی آمریکا در منطقه انجامید به بهترین شیوه برای نفوذ در این منطقه بهره‌جسته است».<sup>۶۴</sup>

ورود چین با بهره‌مندی از اهرم اقتصاد در منطقه‌ای که بر پایه «آموزه مونرو» حیات خلوت سیاسی-امنیتی و اشنگتن شمرده می‌شود و نیز برقراری روابط گسترده اقتصادی و سیاسی با دولتهای مخالف آمریکا بویژه کوبا و ونزوئلا - که می‌تواند به افزایش وزن، جایگاه و ایستادگی این کشورها در برابر سیاستهای یک جانبه کاخ سفید بیانجامد - سبب نگرانی شدید و اشنگتن در سالهای گذشته شده است.

### پ - سیاسی

بررسی قدرت نرم چین در حوزه سیاست، در دو پهنه داخلی و بین‌المللی در خور بررسی است.

#### ۱- سیاست داخلی

در پهنه داخلی آنچه قدرت نرم چین را شکل می‌دهد بیشتر زیر اثر دو عامل سیاستهای مهاجرتی و جذب توریسم و جذابیتهای ایدئولوژیکی است. در دیگر موارد بر عکس کشورهای اروپایی سیاستهای داخلی چین نه تنها هیچ جذابیتی ندارد بلکه ممکن است از محبوبیت این کشور در میان شهروندان دیگر کشورها نیز بکاهد.

○ پکن با حضور مؤثر و پویا در شورای امنیت سازمان ملل به عنوان عضو دائم و برخوردار از حق وتو و نیز شرکت در پیمانهای منطقه‌ای و جهانی مانند «پیمان منطقه‌ای آسیا و پاسفیک»، «سازمان همکاری شانگهای» (SCO)، گفت‌وگوهای شش جانبه در مورد بحران هسته‌ای کره شمالی، گروه ۵+۱ در مورد پرونده هسته‌ای ایران و نیز حضور در اجلاسهای «آسه‌آن» و «هشت کشور صنعتی» (G8) به عنوان عضو ناظر در صدد بهره‌گیری بیشتر از ظرفیتهای پتانسیلهای موجود در پهنه سیاست خارجی خود است.

در مورد سیاستهای مهاجرتی چین باید گفت که یکی از سیاستهای چین در سالهای گذشته تشویق کردن شهروندان خود به کوچ کردن بویژه در چارچوب روابط مرزی با همسایگان (که تا دو دهه پیش خط قرمز به‌شمار می‌رفت) بوده است که به گسترش فرهنگ، بازرگانی و آموزش و یادگیری زبان چینی کمک‌شایانی کرده است.

«در ۱۹۹۵، ۴/۵ میلیون چینی به کشورهای دیگر سفر کردند اما در ۲۰۰۵ این شمار به ۳۱ میلیون نفر رسید. به نظر چینی‌ها و کارشناسان صنعت گردشگری، اگر پیش‌بینی‌های مربوط به رشد این آمار در آینده درست از آب درآید، دست کم پنجاه میلیون جهانگرد چینی در سال به خارج سفر خواهند کرد که تا ۲۰۲۰ به صد میلیون نفر خواهد رسید. سفرهای برون‌مرزی چینی‌ها در پنج سال گذشته بیشترین میزان را داشته و از رشد سالانه ۳۸ درصدی برخوردار بوده است. برپایه تدابیری که دولت چین در زمینه گردشگری در پیش گرفته است، مؤسسه «لونلی پلانت» کتابهایی برای راهنمایی چینی‌ها فراهم خواهد آورد که برای کشورهای آلمان، انگلیس، استرالیا، آمریکا و

ایدئولوژی سیاسی کنونی چین ترکیبی از نظام سیاسی تک حزبی دولت اقتدارگرا در کنار اقتصاد بازار است. این ترکیب پیچیده و ناسازگار به گفته «ژانگ وی وی» (Zhang Weiwei) استاد علوم سیاسی که در فرانسه زندگی می کند سبب شده است که: «چین بزرگترین آزمایشگاه دگرگونیهای اقتصادی اجتماعی و سیاسی تاریخ مدرن باشد».<sup>۶۷</sup>

## ۲- سیاست خارجی

دگرگونیهای نظام بین الملل در دوران پس از جنگ سرد سبب شد تا چین در مناسبات بین المللی و پیوندهای خود با کشورهای دیگر دگرگونیهای اساسی پدید آورد. چین که از دهه ۱۹۷۰ سیاست نزدیکی به آمریکا را در پیش گرفته بود با فروپاشی شوروی و پیدایش نظام تک قطبی به محوریت آمریکا - کشوری که ماجراهای میدان «تیان آن من» را محکوم کرده و پس از آن دست به تحریمهای اقتصادی زده بود - از ۱۹۹۱ رفته رفته و با ضرب آهنگی پیوسته توان خویش را جهت ایجاد توازن قوا با ایالات متحده آمریکا به کار گرفت.

«حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر در ظاهر نوعی همدلی بین ایالات متحده و چین برای مبارزه با تروریسم ایجاد کرد. اما اشغال افغانستان و سپس عراق و تلقی یکجانبه گرایانه آمریکا در برخورد با مسائل جهانی، منجر به سردی همکاری بین پکن و واشنگتن گردید».<sup>۶۸</sup> در بهینه بین المللی چین می کوشد تا با حرکتی آرام و گام به گام همراه با افزایش قدرت نرم خود از ایجاد هر گونه حساسیتی در آمریکا جلوگیری کند. برای این منظور از هر گونه رویارویی و بگومگوهای احتمالی نیز در این راه خودداری می ورزد.

از این رو رشد اقتصادی چین و افزایش حجم دادوستد تجاری این کشور، پررنگ تر شدن حضور این کشور در سطح بین المللی را در پی داشته است به گونه ای که پکن با حضور مؤثر و پویا در شورای امنیت سازمان ملل به عنوان عضو دائم و برخوردار از حق وتو و نیز شرکت در پیمانهای منطقه ای و جهانی مانند «پیمان منطقه ای آسیا و پاسفیک»، «سازمان همکاری شانگهای» (SCO)، گفت و گوهای شش جانبه در مورد بحران

○ حضور چین در سازمانهای منطقه ای نیز همچون سازمانهای بین المللی محسوس و برجسته است. پکن را باید یکی از بنیانگذاران «سازمان همکاریهای شانگهای» (SCO) دانست. سازمان شانگهای که به دنبال اقدامات عملی سال ۱۹۹۶ پنج کشور چین، روسیه، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان با هدف رفع اختلافات مرزی میان ۵ کشور مزبور و تقویت همگرایی منطقه پدید آمد، در حال حاضر به یکی از مهمترین سازمانهای منطقه ای تبدیل شده است.

آسیای جنوبی در نظر گرفته شده تا فرصتهای اقتصادی برای چینی ها را معرفی کند».<sup>۶۵</sup>

«از نظر جذابیتهای ایدئولوژیکی نیز چه در دوران جنگ سرد و چه امروزه، چین از ایدئولوژی جذابی برخوردار بوده است. اندیشه های کمونیستی مائو در دوران جنگ سرد نه تنها به بروز گرایش تازه ای در اندیشه های کمونیستی با عنوان «مائوئیسم» انجامید بلکه شیوه انقلاب دهقانی مورد تأکید او نیز الگویی برای رهایی در سرتاسر جهان شد. کتابهای جیبی مائو در دوران جنگ سرد همچون انجیل مقدسی راهنمای بسیاری از انقلابیون، از آرژانتین و کوبا در قاره آمریکا گرفته تا ایران در قاره آسیا قرار گرفته بود و این مبارزین می کوشیدند تا با پیروی از الگوی چین خود را از آنچه قید و بند سرمایه داری، استثمار، نابرابری و فاصله طبقاتی برخاسته از این نظام می دانستند رها سازند. در دوران پس از جنگ سرد نیز موفقیتهای اقتصاد سیاسی چین در سه برابر ساختن تولید ناخالص داخلی خود در سه دهه سبب شده است تا الگوی اقتصاد سرمایه داری این کشور در کنار نظام سیاسی بسته و اقتدارگرای آن برای بسیاری از کشورهای رو به توسعه جذاب باشد».<sup>۶۶</sup>

جهان می‌توان دید؛ از دارفور سودان گرفته تا افغانستان و چاد. برای نمونه در لیبریا اکنون ۹۰ حافظ صلح چینی مستقر است که از دسامبر ۲۰۰۳ به این کشور آمده‌اند و مسئولیت حفظ صلح را بر عهده گرفته‌اند.<sup>۷۳</sup>

حضور چین در سازمانهای منطقه‌ای نیز همچون سازمانهای بین‌المللی محسوس و برجسته است. «پکن را باید یکی از بنیانگذاران «سازمان همکاریهای شانگهای» (SCO) دانست. سازمان شانگهای که به دنبال اقدامات عملی سال ۱۹۹۶ پنج کشور چین، روسیه، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان با هدف رفع اختلافات مرزی میان ۵ کشور مزبور و تقویت همکاری منطقه‌پدید آمد، در حال حاضر به یکی از مهمترین سازمانهای منطقه‌ای تبدیل شده است. موفقیت این سازمان در زمینه همکاری میان اعضا نه تنها زمینه تعمیم حوزه آن به مسائلی چون صلح و ثبات منطقه‌ای، وضعیت افغانستان، افراطی‌گری قومی و مذهبی و تروریسم را فراهم ساخته بلکه علاقه کشورهای متعددی چون هند، ایران، پاکستان و ازبکستان را برای الحاق به آن به همراه داشته است».<sup>۷۴</sup>

### عوامل سست کننده قدرت نرم چین

عوامل فراوانی را می‌توان به‌عنوان سست کننده قدرت نرم چین در نظر گرفت. در این بخش به مهمترین آنها در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تمدنی می‌پردازیم:

#### حوزه سیاسی

##### ۱- سامانه سیاسی چین

از ۱۹۴۹ و در پی انقلاب چین، حزب کمونیست قدرت تام را در این کشور در دست گرفته و آن را تاکنون نگهداری کرده است. برای پکن، نگهداری این قدرت به بهای سرکوب جنبشهای سیاسی داخلی و مخالفین حکومت به دست آمده است. «سرکوب جنبش آزادی‌خواهی دانشجویان در ۱۹۸۹ (معروف به رویدادهای میدان تیان‌آن‌من) و نقض حقوق بشر که موارد بارز آن داشتن بالاترین آمار روزنامه‌نگاران زندانی، فیلترینگ سایتهای اینترنتی و کم کردن

هسته‌ای کره شمالی، گروه ۱+۵ در مورد پرونده هسته‌ای ایران و نیز حضور در اجلاسهای «آسه‌آن» و «هشت کشور صنعتی» (G8) به‌عنوان عضو ناظر در صدد بهره‌گیری بیشتر از ظرفیتهای پتانسیلهای موجود در بهانه سیاست خارجی خود است.

«اما بخش دیگر اثرگذار بر قدرت نرم چین بویژه در برابر کشورهای جهان سوم رو به توسعه، سیاست پکن بر پایه «عدم مداخله، تکریم حاکمیت و همکاری با دولتهای مغضوب آمریکا» قرار دارد. پکن می‌کوشد تا بدین سان قدرت نرم خود را بر کشورهایمانند سودان در آفریقا و ازبکستان، لائوس، کامبوج، برمه، سوریه و ایران در آسیا و نیز ونزوئلا، و کوبا در قاره آمریکا که در چالش با ایالات متحده هستند متمرکز کند».<sup>۶۹</sup>

### ۳- همکاری با سازمانهای بین‌المللی

دولت چین اکنون یکی از اثرگذارترین دولتهای آسیا در بهانه بین‌المللی است. «پکن با تأمین ۲/۵ درصد بودجه سازمان ملل سهم مهمی در برقراری صلح و امنیت جهانی دارا است».<sup>۷۰</sup> تعاملات چین با تعدیل سیاست خارجی این کشور در سالهای گذشته رشد و بهبود چشمگیری داشته است. «از زمانی که این کشور به سازمان تجارت جهانی پیوسته است، بیش از ۳۰۰۰ نیرو برای خدمت در نیروهای حفظ صلح ملل متحد اعزام کرده است و در موضوعاتی مانند جلوگیری از گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای به صورت پویا حضور داشته است».<sup>۷۱</sup> «اگر چین برای مهار چالشهای تروریسم، پول‌شویی، قاچاق کالا، حفاظت از مرزها و عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای به‌خصوص در مورد کره شمالی با ایالات متحده و سازمان ملل همکاری نمی‌کرد، بحران هسته‌ای کره شمالی به جدی‌ترین بحران جهانی در دوره پس از جنگ عراق تبدیل می‌شد. این، تلاشهای دیپلماتیک چین بود که امکان ادامه گفت‌وگوهای شش‌جانبه (چین، آمریکا، ژاپن، کره شمالی، کره جنوبی و روسیه) را برای حل بحران فراهم نمود و موجب شد تا کره شمالی همچنان بر سر میز مذاکره بماند».<sup>۷۲</sup> «در زمینه همکاری با سازمان ملل نیز حافظان صلح چینی را امروزه در تمام نقاط بحران خیز



بر خورد و کنترل جنبشهای جدایی طلب مانند تبت (بویژه دالایی لاما، رهبر مذهبی تبت)، منطقه شین جیانگ و نیز مغولستان داخلی است. برخورد سخت گیرانه و کاربرد سیاست «مشت آهنین» از سوی پکن در برابر تحولات این مناطق به شدت بروجه و توان این کشور در به دست دادن يك الكوی سیاسی مناسب اثر زیانباری داشته است.

## ۲- سیاست خارجی

الف: رویارویی با جهان غرب:

پس از جنگ سرد و فروپاشی جهان دو قطبی (bipolar world) جمهوری خلق چین به عنوان بزرگترین کشور کمونیستی جهان در نظام بین الملل باقی ماند. فروپاشی شوروی ضربه سنگینی بر ایدئولوژی مارکسیسم که ساختار قدرت چین بر آن استوار است وارد آورد. هر چند چین در بسیاری از زمینه‌ها با شوروی اختلاف نظر داشت و پس از فروپاشی آن دست به بازتعریف موقعیت و جایگاه خود در نظام بین الملل زد اما فشارهای غرب در مورد مارکسیسم، فضای سیاسی بسته و غیر دموکراتیک چین، نقض گسترده حقوق بشر و رشد نظامی سرسام آور این کشور همچنان پایدار است. هر چند چین با در پیش گرفتن يك سیاست خارجی غیر ایدئولوژیک، واقع گرایی و اقتصاد-محور می کوشد از فشارهای جهان غرب بر ضد خود بکاهد اما غرب از این پدیده‌ها همچون اهرم فشاری بر پکن بهره‌برداری می کند. این تقابل در روابط پکن-واشنگتن به صورت بارزتری دیده می شود.

«هر چند که جمهوری خلق چین روابط کمابیش خوبی با ایالات متحده برقرار کرده است ولی این روابط می تواند با مناسبات این کشور با جهان اسلام و نیز پاره‌ای از کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین تضاد پیدا کند. تأکید ایالات متحده بر گسترش حقوق بشر و راهبرد سیاست خارجی آن برای دخالت در امور کشورهای دیگر به بهانه نقض حقوق بشر می تواند در برابر اصل اساسی سیاست خارجی چین یعنی «عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها» قرار گیرد. گزینش میان این دو از یکسو به چالش فکری برای سیاستمداران چینی تبدیل

آزادیهای اجتماعی است، از جذابیت الگوی چین برای کشورهای رو به توسعه کاسته است».<sup>۷۵</sup> همان گونه که «یان اکسو تونگ» (Yang Xuetong) استاد علوم سیاسی دانشگاه «تسینگ هوای» پکن اشاره می کند: «اگر شما نظام سیاسی مناسبی در کشور نداشته باشید نمی توانید حمایت همسایگان خود را به دست آورید. چین نتوانسته است که همسایگان خود را جذب کند. اگر چین بخواهد که قدرت نرمش افزایش یابد این کشور باید اصلاحات سیاسی را در دستور کار خود قرار دهد».<sup>۷۶</sup>

«چینی‌ها همانند دیگر ملت‌ها می خواهند دشواریهای جامعه‌شان را بزایند. اشخاص بسیاری در نظام قضایی چین وجود دارند که از وحشیگری و اعدام‌های خودسرانه شرم‌منده هستند. آنها تلاش می کنند تا چین را به روند قانونی سوق دهند چرا که شأن چینی‌ها نیازمند آن است».<sup>۷۷</sup> سخنگوی مطبوعاتی دادگاه عالی خلق چین، «سون هواپو» در مورد براندازی مجازات اعدام در این کشور می گوید: «چین شرایط لازم برای براندازی مجازات اعدام را ندارد. چین کشوری رو به رشد بوده و از سطح تمدن عالی برای این منظور برخوردار نیست. با توجه به آثار فرهنگ سنتی، براندازی فوری مجازات اعدام با حمایت گسترده مردمان این کشور روبه‌رو نخواهد شد».<sup>۷۸</sup>

امروزه اعتراض‌های جهانی نسبت به نقض حقوق بشر در چین رو به افزایش است و دولتمردان چینی هنگام سفر به شهرهای گوناگون اروپایی یا آمریکایی بیش از پیش با چنین اعتراضاتی روبه‌رو می شوند که در آن تظاهرات کنندگان خواهان احترام گذاشتن مقامات چینی به حقوق بشر و آزادیهای سیاسی و مذهبی هستند و از دولتهای خود و نیز سازمانهای بین المللی خواستار فشار آوردن و انجام تدابیر مناسب بر ضد مقامات پکن می شوند».<sup>۷۹</sup> این امر یکی از چالشهای جدی پکن در بهره‌گیری از قدرت نرم شمرده می شود که سبب خدشه‌دار شدن وجهه این کشور در نزد افکار همگانی جهان است.

همچنین چالش بزرگ دیگر پکن در درون کشور که باز خورد منفی در پهنه بین المللی دارد چگونگی

○ چالش بزرگ دیگر پکن در درون کشور که باز خورد منفی در پهنه بین‌المللی دارد چگونگی برخورد و کنترل جنبش‌های جدایی طلب مانند تبت (بویژه دلایی لاما، رهبر مذهبی تبت)، منطقه شین جیانگ و نیز مغولستان داخلی است. برخورد سخت‌گیرانه و کاربرد سیاست «مشت آهنین» از سوی پکن در برابر تحولات این مناطق به شدت بروجه و توان این کشور در به دست دادن يك الگوی سیاسی مناسب اثر زیانباری داشته است.

امروزه بیش از ۳۰ کشور تایوان را به عنوان دولت مستقل به رسمیت شناخته‌اند. اما دولت چین بر پیوستن این سرزمین به خاک خود تأکید می‌کند. چندی پیش دولت «هوجین تائو» طرح صلح تازه‌ای را برای حل کردن مشکل به تایوان پیشنهاد کرد اما حزب حاکم تایوان خطر چین را سبب تضعیف دولت این جزیره خواند و از پذیرش آن سر باز زد.

«چین چینگ چان» یکی از اعضای حزب حاکم تایوان در برابر خواسته «هوجین تائو» که گفته بود: «صلح و توسعه باید مسئله اصلی مذاکرات میان دو طرف باشد»، اعلام کرد: «درخواست برای صلح و مصالحه اقتصادی يك هدف آشکارا دنبال می‌کند. هدف آن تضعیف قدرت دولت است. این سمی است که با شکر مخلوط شده است». وی با اشاره به درخواست «هوجین تائو» برای احترام به «چین واحد» گفت: «هدف از این اقدام قرار دادن تایوان در يك دولت محلی است؛ اقدامی که مورد قبول ۲۳ میلیون تایوانی نیست». <sup>۸۲</sup> ادامه جنگ سرد در هر دو سو و همچنین تهدیدهای نظامی چین بر ضد تایوان بروجه و پرستیژ این کشور در میان دیگر دولت‌ها خدشه وارد کرده و ادعاهای چین مبنی بر دخالت نکردن در امور دیگر

شده است و از سوی دیگر در این کشورها به فضای بی‌اعتمادی به چین به عنوان متحدی استراتژیک و مطمئن در مواقع خطر دامن زده است. این امر زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم بیشتر متحدین پکن در آفریقا و آمریکای لاتین از نظر سیاسی و اقتصادی بی‌ثبات هستند و امکان چرخش‌های پیش‌بینی نشده در قدرت خود را دارند. نداشتن راهبرد مناسب از سوی چین در این زمینه و نیز رویارویی آن با جهان غرب که سبب ایجاد نگرش ناخوش نسبت به این کشور نزد افکار همگانی، رسانه‌های گروهی و سیاستمداران می‌شود، می‌تواند بستر لازم را برای کاهش قدرت نرم چین فراهم آورد.<sup>۸۰</sup>

#### ب: نابردباری چین در برابر تایوان

یکی از چالش برانگیزترین مسائل در حوزه سیاست خارجی چین که اثر زیانبار بسیار زیادی بروجه و قدرت نرم این کشور در نظام بین‌الملل دارد موضوع تایوان است.

«اختلافات بین پکن و تایوان به زمانی برمی‌گردد که در اثر پیروزی کمونیست‌ها در جنگهای داخلی در فاصله سالهای ۱۹۴۹-۱۹۴۶، دولت کومین تانگ (ناسیونالیست) به جزیره تایوان (فرمز) پناهنده شد. تایوان از استانه‌های قدیمی چین بود که در اثر جنگ از سال ۱۸۹۵ تا ۱۹۴۵ به دست ژاپنی‌ها افتاده بود. سالهای بسیاری پناهندگان سرزمین اصلی که کمتر از ۲۰ درصد جمعیت ۲۱ میلیونی جزیره را تشکیل می‌دادند قدرت را در اختیار و بر این عقیده اصرار داشتند که دولت اصلی چین در تایوان بوده است و به پکن باز خواهند گشت».<sup>۸۱</sup>

اما این رویا بروز نیافت و سرانجام در دهه ۱۹۷۰ حکومت پکن کرسی چین در سازمان ملل را به دست آورد و از سوی ایالات متحده آمریکا نیز به رسمیت شناخته شد. ولی با وجود به رسمیت شناختن چین کمونیست، ایالات متحده از درخواست تایوان برای جدایی از سرزمین اصلی پشتیبانی می‌کند. درخواست تایوان برای جدایی هر بار با تهدید شدید چین به حمله نظامی به این کشور روبه‌رو شده است.

ژاپن در شورای امنیت با گردآوری ۳۰ میلیون امضادر ۲۰۰۵ و حملات خشونت آمیز به مراکز بازرگانی ژاپن در خاک چین، بر روابط پکن- توکیو سخت اثر گذاشته است. هر چند چین بزرگترین شریک تجاری و سرمایه گذار مستقیم خارجی ژاپن است اما دامن زدن به اختلافات تاریخی می تواند بر حمایت های سیاسی ژاپنی ها از دولت خود جهت گسترش روابط تجاری با چین و محبوبیت این کشور نزد ژاپنی ها اثر زیانباری بگذارد.

اختلافها بر سر حاکمیت چین بر دریای چین جنوبی و نیز ادامه وضع جنگی با ویتنام در ۳۰ سال گذشته و نزدیکی زیاد چین به پاکستان که دارای روابط سرد با هند است از دیگر عوامل منطقه ای است که ممکن است قدرت نرم این کشور را در منطقه کاهش دهد و در روند همگرایی منطقه ای پکن خدشه وارد کند.

### حوزه اقتصادی

در این بخش، به مهمترین عوامل سست کننده قدرت نرم چین در حوزه اقتصاد اشاره کوتاهی می شود. این عوامل عبارتند از:

#### ۱- مشکلات اقتصادی: بیکاری و رشد نابرابر در سراسر کشور

چین هنوز با مشکل بزرگ بیکاری گسترده در مناطق روستایی روبه رو است. افزون بر این هر چند بخش ساحلی خاوری چین نرخ رشد اقتصادی چشمگیری را (بیشتر دو رقمی) تجربه کرده است، ولی بخش غربی این کشور همچنان کم توسعه مانده است.

همچنین بین ثروت جمعیت شهری- روستایی در چین شکاف بزرگی وجود دارد. این نابرابری بزرگ میان درآمدهای شهری و روستایی (میانگین درآمد ساکنان شهری سه برابر مناطق روستایی است) سبب نارضایتی های اجتماعی شده است. در ۱۹۹۸، ۴۳ میلیون چینی زیر خط فقر رسمی و ۱۰۰ میلیون نفر با کمتر از یک دلار در روز در این کشور زندگی می کردند.<sup>۸۴</sup> امروزه ۴۰۰ میلیون نفر با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می کنند و نابرابری بزرگی در میان جمعیت کشور وجود دارد.<sup>۸۵</sup> در چنین شرایطی از

○ موضوع تایوان اکنون به کشمکش بین هواداران قدرت نرم و هواداران قدرت سخت در درون چین تبدیل شده است. در همان هنگام که هواداران قدرت نرم بر گفت و گو بر سر مسائل مورد اختلاف و درگیر کردن قدرتهای بزرگ در گفت و گو بر سر حق مالکیت تأکید می ورزند پیروان قدرت سخت با نگاهی بدبینانه، بر حاکمیت تام چین بر تایوان و حق یکجانبه آن کشور برای بازگرداندن تایوان به سرزمین مقدس چین پای می فشارند.

کشورها را بی اعتبار کرده است. ستیزه جویی های چین در ۲۰۰۵ نسبت به تایوان نه تنها مانع از کاهش تحریمهای تسلیحاتی اروپا بر ضد پکن نشد بلکه بر روابط تجاری چین- اروپا نیز اثر گذار بود.

موضوع تایوان اکنون به کشمکش بین هواداران قدرت نرم و هواداران قدرت سخت در درون چین تبدیل شده است. در همان هنگام که هواداران قدرت نرم بر گفت و گو بر سر مسائل مورد اختلاف و درگیر کردن قدرتهای بزرگ در گفت و گو بر سر حق مالکیت تأکید می ورزند پیروان قدرت سخت با نگاهی بدبینانه، بر حاکمیت تام چین بر تایوان و حق یکجانبه آن کشور برای بازگرداندن تایوان به سرزمین مقدس چین پای می فشارند.<sup>۸۳</sup>

#### پ: بدگمانی در پیوند با همسایگان

چین به عنوان کشوری باستانی در تاریخ پرفراز و نشیب خود با کشورهای پیرامون خود بویژه ژاپن دارای اختلافاتی است که پس از جنگ جهانی دوم و حمله ژاپن به این کشور تشدید نیز شده است. کینه مردم چین نسبت به رفتار ژاپن در جنگ جهانی دوم و دست یازیدن به اقداماتی مانند تهیه فرم اینترنتی بر ضد عضویت دائمی

رو به افزایش در چین که بر آمده از شکاف گسترده درآمد شهری-روستایی است، در ۲۰۰۵ نزدیک به ۷۸۰۰۰ نظاهرات بزرگ و کوچک در سراسر چین به راه افتاد. بیشتر این نارضایتیهای همگانی به دلایل سیاسی نبود بلکه از شرایط اقتصادی سربر آورد. برای نمونه کشاورزان ناچار شده اند زمینهایشان را ترک کنند و در برابر، غرامت اندکی دریافت کنند. زمینهای مصادره شده سپس به بهای بالایی به فروش می‌رسند و کارگران محلی سود سرشاری از این راه به دست می‌آورند.<sup>۸۷</sup> بازتاب این موارد در رسانه‌های خبری و مطبوعاتی جهان دیدگاه زیانباری نسبت به این کشور در میان دیگر شهروندان و دولت‌ها ایجاد کرده و کاهش قدرت نرم پکن را در پی خواهد داشت.

«این ویژگیها در کنار عواملی همچون بدیع نبودن الگوی اقتصادی چین، غیر دموکراتیک بودن و این نکته که چین در سنجش با بسیاری از کشورهای آسیایی هنوز ضعیف است و در شمار کشورهای رو به توسعه شمرده می‌شود سبب شده است تا شمار کمی نظام سیاسی و اقتصادی کنونی چین را به عنوان الگویی برای آسیا پیشنهاد کنند».<sup>۸۸</sup>

### حوزه تمدنی، فرهنگی و زیست محیطی

#### ۱- چالش فرهنگ و تمدن چین با جهان غرب

در حوزه فرهنگی و تمدنی نیز همزمان با افزایش قدرت اقتصادی و ضریب نفوذ چین در منطقه شرق آسیا، چالشهایی جدی با جهان غرب رو به پیدایش است. «اخلاقیات کنفوسیوسی در ترکیب با اندیشه‌های کمونیستی که بر ارزشهایی چون قدرت، رعایت سلسله‌مراتب، کم‌اهمیت بودن حقوق و منافع فردی، اهمیت اجماع، پرهیز از رویارویی، آبروداری و به‌طور کلی سلطه دولت بر جامعه و اولویت جامعه بر فرد تأکید دارد در تقابل با اندیشه‌های لیبرال دموکراسی غربی است که بر عدم اعتماد مطلق به دولت، مخالفت با اقتدار سیاسی، تلاش برای دستیابی به توازن، تشویق رقابت، احترام به حقوق بشر و... پافشاری می‌کند. این اختلافات در رابطه میان جهان غرب و کشورهای عمده

جذابیت‌های چین در میان شهروندان دیگر کشورها کاسته خواهد شد.

#### ۲- وابستگیهای بازرگانی چین و ناسازگاریهای آن

اقتصاد چین به بازرگانی خارجی (صادرات) و سرمایه‌گذاری خارجی وابسته است. بنابراین هرگونه نوسان ناگهانی مانند رکود در رشد اقتصاد جهانی و یا تقاضا برای کالاهای چینی اثر زیانباری بر اقتصاد این کشور خواهد گذاشت.

«مازاد تجاری چین در سالهای گذشته به گونه‌ای زیانبار ناموزونی در اقتصاد جهانی را افزایش داده است. برای نمونه چین مازاد تجاری ۲۰۰ میلیارد دلاری با ایالات متحده دارد. این امر در کنار افزایش نرخ برابری یوان در برابر دلار آمریکا و غیر شناور بودن آن می‌تواند به اقتصاد جهانی خدشه وارد کند. چین به کانونی برای مونتاز قطعاتی که از بیرون وارد این کشور می‌شوند تبدیل شده است. بنابراین با وجود این مازاد تجاری بالا، این کشور کسری تجاری ۱۳۷ میلیارد دلاری با کشورهای آسیایی دارد.

چندی پیش دولتهای غربی در پاسخ به نبود توازن تجاری میان خود و چین محدودیتهای مشخصی بر واردات کالاهای چینی شامل پارچه، کفش و... وضع کرده‌اند که این محدودیت می‌تواند فشار بیشتری را بر اقتصاد چین جهت ورود به بازارهای تازه وارد کند».<sup>۸۶</sup> همچنین می‌توان کاربرد سیاست دامپینگ در بازاریابی و صادرات فرآورده‌های ارزان و با کیفیت پایین برای تسخیر بازار جهانی را افزود که از این راه هزاران شرکت و کارخانه و کارگاه تولیدی را در سراسر جهان به ورشکستگی و بسته شدن کشانده و به بیکار شدن صدها هزار تن منجر شده است که این امر می‌تواند بر وجهه اقتصادی چین در جهان اثری زیانبار داشته باشد.

#### ۳- جرایم و فساد اقتصادی

افزایش فساد مالی و تبانی که در میان اعضای حزب و مقامات دولتی چین فراگیر شده است ممکن است جلوی رشد اقتصادی چین را بگیرد و به اعتماد سرمایه‌گذاران آسیب برساند. بر اثر مشکلات اجتماعی

آسیایی بویژه چین عواقب خاصی را در پی داشته است.<sup>۸۹</sup>

## ۲- محدودیتهای آیین کنفوسیوس و زبان ماندارین

دین و زبان دو عامل بسیار مهم در زمینه قدرت نرم است. فراگیر بودن این دو عامل می تواند به گسترش قدرت و ضریب رخنه یک کشور کمک شایانی کند. ترکیب آیین کنفوسیوس با باورهای کمونیستی و ارزشها و سنن چند هزار ساله تمدن چینی سبب شده است که این آیین تنها در سرزمین اصلی چین و مناطق پیرامون آن دوام آورد. امری که در شکل گیری «هژمونی چین» در جنوب خاوری آسیا نقش تعیین کننده داشته است. اما برای جهانگیر شدن این آیین راهی دشوار و دراز پیش روی چینی هاست.

همچنین می توان به دشواری و پیچیدگی زبان ماندارین اشاره کرد که یکی از پر حرفترین و دشوارترین زبانهای جهان است. این دشواری به گونه ای است که یکی از عوامل اصلی در زیاد بودن نرخ بیسوادی در چین به شمار می آید. با وجود بازنگری که در شمار حروف و ساختار این زبان در سالهای گذشته شده است این زبان همچنان دشواریهای خاص خود را برای زبان آموزان بیگانه در برابر زبانهای ساده تر و قدرتمند غربی مانند انگلیسی، اسپانیایی و فرانسه داشته است و بر قدرت نرم چین در حوزه زبانی اثر زاینباری بر جای گذاشته است.

همپای رشد پرشتاب اقتصادی چین، «زبان ماندارین اگر نتواند تبدیل به «زبانی جهانی» شود، دست کم باید به سطحی ارتقا یابد که افرادی از گروههای زبانی و فرهنگی مختلف برای ارتباط با یکدیگر (بویژه در امور تجاری و بازرگانی) از آن استفاده کنند، یا به عبارتی دیگر، و به اصطلاح زبان شناسان، زبان میانجی (Lingua Franca) باشد یعنی زبان اصلی جهان برای ارتباطات گسترده تر.<sup>۹۰</sup> در این زمینه آنچه انجان که زبان شناس برجسته «جاشوا فیشمن» (Joshua Fishman) گفته است: «زبانی که یک گروه قومی خاص یا یک مذهب و ایدئولوژی معین را تداعی نکند، شانس بیشتری برای تبدیل شدن به یک زبان میانجی را

دارد».<sup>۹۱</sup>

## ۳- ضعف در فرآورده های فرهنگی

هر چند امروزه کالاهای چینی بیشتر فروشگاهها را پر کرده است اما کمتر شخصی را می توان پیدا کرد که شخصیتهای هنری بسیاری را از این کشور بشناسد. در زمینه موسیقی نیز همسایگان چین، یعنی کره جنوبی و ژاپن در برپایی شرکتهای جهانی و ستارگان موسیقی پاپ، چین را پشت سر گذارده اند.

«برخی حتا بر این باورند که کمتر غیر چینی را می توان پیدا کرد که در رستورانهای آمریکا یا اروپا غذاهای چینی بخورد و یا به گفته «استیو تسانگ» (Steve Tsang) پژوهشگر کالج «آتونی» دانشگاه آکسفورد انگلیس، کمتر غیر چینی می تواند نام یک نویسنده چینی را به یاد بیاورد».<sup>۹۲</sup>

از میان ورزشهای چینی نیز تنها کونگ فو و «ووشو» توانسته اند در میان دیگر ملتها هوادارانی پیدا کنند اما با توجه به اینکه همین ورزش هم به ورزشی جهانی و همگانی همچون فوتبال تبدیل نشده باید گفت که تلاش چین در این زمینه ضعیف بوده است و نتوانسته به مانند اقتصادش جذابیتی برای دیگر کشورها ایجاد کند.

## ۴- نابود کردن محیط زیست

عامل پایانی که در فهرست موارد ضعف قدرت نرم چین می توان به آن اشاره کرد، خطر تخریب محیط زیست چین بر اثر استراتژی رشد چشمگیر این کشور است. «فرسایش خاک، بیابان زایی، آلودگی هوا، از دست رفتن زمینهای کشاورزی، کاهش پیوسته جدول بارش بویژه در شمال چین از مسائل جدی در این کشور است که بر آورد می شود سالانه میلیونها دلار به اقتصاد چین ضربه زند. امروزه آب در چین بویژه در مناطق خشک شمالی نایاب است. هر چند که سرانه ذخایر آب این کشور کمتر از یک چهارم میانگین جهان است. آلودگی ناشی از سوزاندن ذغال سنگ سالانه بیش از ۲۵۰ هزار نفر را به کام مرگ می کشاند. بر آورد شده است که تا ۲۰۲۰ چین تا ۱۹ درصد از

○ افزایش فساد مالی و تبانی که در میان اعضای حزب و مقامات دولتی چین فراگیر شده است ممکن است جلوی رشد اقتصادی چین را بگیرد و به اعتماد سرمایه گذاران آسیب برساند. بر اثر مشکلات اجتماعی رو به افزایش در چین که برآمده از شکاف گسترده درآمد شهری-روستایی است در ۲۰۰۵ نزدیک به ۷۸۰۰۰ تظاهرات بزرگ و کوچک در سراسر چین به راه افتاد. بیشتر این نارضایتیهای همگانی به دلایل سیاسی نبود بلکه از شرایط اقتصادی سر بر آورد.

را از ۱۹ ساعت در روز به ۱۴ ساعت کاهش داده است، رادیو جهانی چین پخش برنامه‌های زبان انگلیسی را به ۲۴ ساعت در شبانه‌روز رسانده است.<sup>۹۷</sup>

۲- تقویت پیوندهای دیپلماتیک و افزایش کیفیت دیپلماسی

«الیزابت آلونومی» مدیر برنامه مطالعات آسیای جنوب خاوری در شورای روابط خارجی آمریکا در مورد سیاست خارجی چین می‌گوید: «هیچ کس بیش از دولتمردان چینی به اهمیت این امر آگاه نیست که برای نخستین بار پس از سده‌ها، این کشور يك «قدرت بین‌المللی» شده و به همین سبب «سیاست خارجی با منافع و اهداف جهانی» را طرح‌ریزی و اجرا می‌کند.<sup>۹۸</sup> «در سالهای گذشته چین توانسته است با پیش بردن تجارت و پرهیز از پرداختن به موضوعات حساس، خود را همچون جایگزینی برای واشنگتن مطرح سازد. حتاً کانادای سرشار از انرژی و استرالیا، متحدان دیرین ایالات متحده، به گونه روزافزونی به سوی چین تمایل پیدا کرده‌اند».<sup>۹۹</sup>

رهبان چین پس از دهه ۱۹۷۰ روابط خود را با کشورهای جهان بر پایه همکاری سازنده سازمان داده‌اند

پخش گاز دی‌اکسید کربن جهانی را برعهده داشته باشد).<sup>۹۳</sup> این شرایط در کنار شلوغی و ترافیک بیش از اندازه خیابانهای شهرهای چین از هر گونه جذابیتی در نگاه بیگانگان می‌کاهد.

### راهبردهای چین برای بهبود قدرت نرم خود

جمهوری خلق چین با آگاهی از توانایی و نیز نقاط ضعف خود در زمینه «قدرت نرم»، در سالهای گذشته گامهایی را برای بهبود این حوزه برداشته است که به مهمترین این راهبردها اشاره کوتاهی می‌شود.

#### ۱- ترویج زبان و فرهنگ چینی

گفتیم که «زبان» در «قدرت نرم» نقشی تعیین کننده دارد. از همین رو، «وزارت آموزش چین بر آن است تا برای گسترش و بهبود فرهنگ و زبان چینی ۱۰۰ مؤسسه کنفوسیوسی در سراسر جهان برپا کند. هدف از این کار چهار برابر کردن شمار بیگانگانی است که زبان چینی می‌خوانند یعنی تا ۱۰۰ میلیون نفر در ۲۰۱۰».<sup>۹۴</sup> همچنین دولت چین نخستین دانشکده کنفوسیوسی را به ابتکار مشترک دانشگاه پکن و دانشگاه آزادی برلین در ۲۷ آوریل ۲۰۰۶ در دانشگاه برلین برپا کرد. «مازان رون» سفیر چین در آلمان در آئین گشایش این دانشکده ابراز امیدواری کرد که دانشکده کنفوسیوس در دانشگاه آزادی برلین بدهستانهای ادبی و فرهنگی بین چین و آلمان را افزایش داده و همزمان با پاسخگویی به خواست مردم آلمان برای یادگیری زبان چینی و آشنایی با فرهنگ چین، به ژرف شدن درک و اعتماد دو کشور کمک کند و در گسترش سالم بدهستانهای فرهنگی و روابط دوستانه بین چین و آلمان سهم شایانی ادا کند.<sup>۹۵</sup> «امروزه یازده مرکز از این گونه در ایالات متحده، اروپا و آسیا برپا شده است. دفتر ملی چین ویژه آموزش زبان چینی نیز کتابهای درسی مدارس در جنوب شرق آسیا را با عنوان فریبنده «چینی‌های شاد» تهیه خواهد کرد».<sup>۹۶</sup>

«تاکنون ۲۶ مؤسسه کنفوسیوس در سراسر جهان برپا شده است که زبان و فرهنگ چینی را آموزش دهند. هر چند که صدای آمریکا پخش برنامه‌های چینی خود

کاهش می‌دهد).<sup>۱۰۱</sup> بدین سان پکن همراه با افزایش پیوندهای دیپلماتیک خود، به خوبی می‌داند که برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی در بهنه بین‌الملل نیازمند تنش‌زدایی در روابط خود با دیگر کشورها بویژه آمریکاست.

نکته دیگری که در این زمینه باید بدان توجه کرد تلاش چینی‌ها برای بهبود کیفیت دیپلماسی کشورشان است. «از اقدامات چینی‌ها برای افزایش کیفیت دیپلماسی خود بهبود کیفیت کادر سیاسی وزارت امور خارجه این کشور بوده است. برعکس بسیاری از کشورها که نظام اداری و جابه‌جایی دیپلماتها بر پایه مدت زمان مأموریت است، وزارت امور خارجه چین با تأکید بر ملاحظات سیاسی، می‌کوشد تا دوره خدمت کادر سیاسی خود را در کشورهای دیگر هرچه بیشتر کند. به شکلی که حتا آنها را تشویق می‌کند تا در مؤسسات آموزش عالی کشور میزبان به درس خواندن بپردازند. این امر به آشنایی بیشتر با زبان محلی و آداب و رسوم کشور محل مأموریت می‌انجامد که سبب آسانی و پالایش جریان رد و بدل کردن اطلاعات می‌شود. این استراتژی نه تنها یکی از عوامل افزایش کیفی نشریات چینی زبان در برابر نشریات انگلیسی زبان در کشورهای جنوب خاوری آسیا شده است بلکه به بهبود کیفیت دیپلماسی چین نیز کمک کرده است».<sup>۱۰۲</sup>

### ۳- شرکت گسترده در فعالیتهای بشر دوستانه

فعالیت‌های بشر دوستانه چین امروزه حوزه گسترده‌ای را فرا گرفته است. این فعالیتها از دادن وام، هدایا و بخشش بدهیهای کشورهای فقیر گرفته تا مبارزه با ایدز و حفظ محیط زیست، شرکت در کمک‌رسانی به قربانیان بلایای طبیعی مانند تسونامی را دربرمی‌گیرد. این گروه از فعالیتهای پکن را باید در زمره مؤثرترین اقدامات این کشور برای افزایش قدرت نرم خود دانست که هر روز نیز گسترده‌تر می‌شود.

دولت چین می‌کوشد تا با این گونه فعالیتها نه تنها حسن نیت خود را در برقراری روابط با دیگر کشورها نشان دهد بلکه حمایت سیاسی لازم را نیز به‌دست آورد. از نقاطی که بیشترین کمک را در سالهای

○ برعکس بسیاری از کشورها که نظام اداری و جابه‌جایی دیپلماتها بر پایه مدت زمان مأموریت است، وزارت امور خارجه چین با تأکید بر ملاحظات سیاسی، می‌کوشد تا دوره خدمت کادر سیاسی خود را در کشورهای دیگر هرچه بیشتر کند. به شکلی که حتا آنها را تشویق می‌کند تا در مؤسسات آموزش عالی کشور میزبان به درس خواندن بپردازند. این امر به آشنایی بیشتر با زبان محلی و آداب و رسوم کشور محل مأموریت می‌انجامد که سبب آسانی و پالایش جریان رد و بدل کردن اطلاعات می‌شود.

و کوشیده‌اند تا از پرداختن به موضوعاتی که می‌تواند بر روابط این کشور با دیگر دولتها اثر بدی بگذارد خودداری کنند. آنها حتا از پذیرفتن «چین به عنوان رقیبی برای ایالات متحده» نیز سر باز می‌زنند و می‌کوشند تا از عصبانیت آمریکا از پیشرفتهای سیاسی، اقتصادی و نظامی اخیر چین بکاهند. «هو جین تاو» در برابر گفته‌هایی که چین را خطر پیش روی هژمونی ایالات متحده بر جهان معرفی می‌کند، با لحنی یکسره محافظه‌کارانه می‌گوید: «مبارزه با فساد سیاسی، ناآرامیهای مناطق روستایی، شکاف فزاینده طبقاتی و آلودگی شدید هوا تمام وقت او را به خود اختصاص داده است و بنابراین مشکلات داخلی مانع از این شده است که چین بخواهد یا بتواند تفوق آمریکا در امور جهانی را به چالش بکشد».<sup>۱۰۰</sup>

جوزف نای در مورد دیپلماسی چین و کاربرد مؤثر آن در بهنه بین‌المللی در مقاله «ظهور قدرت نرم چین» می‌نویسد: «این دیپلماسی تازه، پیوسته با شعار «ظهور صلح آمیز چین» به کاهش ترسها کمک می‌کند و بیم دیگر کشورها برای متوازن کردن قدرت در حال ظهور را

محیط زیست و گروه‌هایی چون «صلح سبز» که امروزه به صورت بسیار منسجم و مؤثر در بسیاری از کشورها بویژه جوامع غربی نقش دارند، تقویت کند.

#### ۴- افزایش جذب جهانگرد

گسترش زبان چینی، برگزاری بازیهای المپیک ۲۰۰۸، تشویق چینی‌ها به مسافرت به خارج و جذب افزایش دانشجویان بورسیه از اقداماتی است که دولت چین با دست یازیدن به آن در صدد است تا صنعت گردشگری خود را مانند فرانسه و آمریکا در درجه نخست قرار دهد. افزایش شمار جهانگردان در این کشور نه تنها می‌تواند در آمدارزی خوبی برای چین فراهم آورد بلکه بر قدرت نرم این کشور نیز می‌افزاید. اسباب بازیهای چینی و عروسکهای اژدها که نماد ملی دولت چین است امروزه در بیشتر جهان یافت می‌شود. ادامه حرکت کنونی دولت چین چه بسا در آینده این کشور را به یکی از دارندگان مهم صنعت گردشگری در جهان تبدیل کند.

#### ۵- تلاش برای کاهش نابرابریها و افزایش اشتغال

پیش‌تر اشاره شد که نابرابری در رشد و توسعه اقتصادی در مناطق گوناگون چین و اعتراضات مردمی در برابر آن، یکی از چالشهای پکن بوده که بر پرستیژ این کشور اثر زیانبار داشته است. «از همین رو، در ۲۰۰۱ چین توانست تا شمار شهروندان با درآمد یک دلار در روز را از ۱۰۰ میلیون تن به ۵۰ میلیون تن کاهش دهد که این میزان برابر ۴ درصد جمعیت کشور است. حکومت چین در راستای رفع بیکاری و کاهش نابرابری در این سال، گامهایی را برای معافیت از مالیات کشاورزی و معافیت مالیاتی اشخاصی که در آمدشان ماهانه کمتر از ۱۶۰۰ یوان بود و نیز افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساختهای روستایی، آموزش و خدمات بهداشتی برداشت».<sup>۱۰۵</sup>

«تشویق سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در چین اقدام دیگری بود که دولت چین به آن توجه کرد. بر اثر چنین تشویق‌هایی بود که امروزه نزدیک به نیمی از ۵۰۰ مؤسسه برتر جهان در شانگهای (در خاور چین) سرمایه‌گذاری کرده و این سرمایه‌ها که در بیش از

گذشته از چین دریافت داشته است آفریقا است. کمک چینی‌ها به کشورهای آفریقایی شامل هدایا، همچنین وامهای بدون بهره و یا با بهره کم می‌شود. دولت چین همچنین هر ساله در نشست همکاری چین-آفریقا بخشی از بدهیهای فقیرترین کشورها را می‌بخشد. کمک چین و سیاست بخشش بدهیهای کشورهای فقیر سبب شده است تا سرمایه معنوی چشمگیری در میان کشورهای آفریقایی برای این کشور شکل بگیرد و حمایتشان را در سازمان ملل متحد و دیگر نشستهای چندجانبه از چین به همراه داشته باشد.

افزون بر این کمک فنی چینی‌ها به آفریقا به نفوذ چین در این منطقه کمک روزافزونی کرده است. «تامپسون» درباره کمکهای چین به آفریقا می‌گوید: «تیمهای پزشکی، کشاورزی و مهندسی چین در سالهای گذشته کمکهای چشمگیری برای این کشورها فراهم آورده‌اند. آنها از کل پروژه‌های در دست تهیه برای درمان بیماران ایدز پشتیبانی می‌کنند. از ۱۹۶۳ نزدیک به ۱۵۰۰۰ پزشک چینی در ۴۷ کشور آفریقایی سرگرم کار بوده و کمابیش به ۱۸۰ میلیون مورد ایدز رسیدگی کرده‌اند. از پایان ۲۰۰۳ هنوز ۹۴۰ پزشک چینی در سراسر آفریقا سرگرم کار هستند. پکن حمایت فنی را بر کمک مالی به کشورهای آفریقایی به دلایل روشن ترجیح می‌دهد. کمک مالی منابع را گسترش می‌بخشد و سرمایه‌ها را از نیازهای مهم کشور دور می‌کند. بنابراین سرمایه‌گذاری در تجارت و پروژه‌هایی که شانس بازگشت مشروط دارند بهتر از وامها و برنامه‌های مستقیم هستند».<sup>۱۰۳</sup>

«اقدامات دولت چین در زمینه حفظ محیط زیست نیز چشمگیر بوده است. پکن با ایجاد پروژه‌هایی همچون پروژه «دیوار بزرگ سبز» (Great Green Wall) برای کاشت میلیونها درخت برای جلوگیری از بیابان‌زایی و نیز ساخت کانال‌هایی برای تغییر جریان آب از مناطق پر آب جنوبی به مناطق خشک شمالی گامهای مؤثرتری در حفظ و مراقبت از محیط زیست برداشته است که این گونه تلاشها در کنار عضویت در پیمان کیوتو می‌تواند به افزایش هر چه بیشتر قدرت نرم پکن بیانجامد».<sup>۱۰۴</sup> و جایگاه این کشور را نزد دوستداران



درونی خود مانند تبت، مغولستان داخلی و شین جیانگ به گونه‌ای مسالمت آمیز چیره شود، راهی دشوار در بهبود جایگاه خود در نظام بین‌الملل خواهد داشت. در پهنه سیاست خارجی پکن می‌بایست با پیروی از الگوی مسالمت آمیز هنگ کنگ در ۱۹۹۷ و ماکائو در ۱۹۹۹، بایوند دادن تایوان به سرزمین اصلی چین، بر وجهه و قدرت نرم خود در سطح بین‌المللی بیفزاید.

نکته پایانی آن که ترکیب ایده‌آل و منسجم «قدرت سخت» (hard power) و «قدرت نرم» (soft power) می‌تواند زمینه را برای سربر آوردن یک «قدرت هژمون» (hegemonic power) فراهم آورد. «چرا که «هژمون» نوعی از روابط را بین کشورها به وجود می‌آورد که در آن روابط سلطه (domination) مشهود نیست، متضمن قهر نمی‌باشد و همراه با رضایت گروه‌های تحت سلطه است. بدین سان که طبقه مسلط نه تنها از نظر سیاسی و اقتصادی برتری دارد بلکه شیوه خاص نگرش خویش به جهان و انسان و روابط اجتماعی را نیز چنان همه گیر می‌کند که به صورت «عقل مشترک» (common sense) درمی‌آید و آنانی که زیر سلطه او هستند این نگرش را همچون پاره‌ای از نظم جهانی می‌پذیرند».<sup>۱۰۷</sup>

پرسش اینجاست که آیا همان گونه که آمریکا در شرایط پس از جنگ سرد، با بهره‌گیری از سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی خود (قدرت سخت) در کنار اهرمهایی چون اندیشه لیبرال دموکراسی، حقوق بشر، زبان انگلیسی، هالیوود و... (قدرت نرم) توانست به یک قدرت هژمون تبدیل شود، آیا می‌توان این امر را برای چین نیز در سالهای پیش رو پیش بینی کرد؟ در پاسخ باید گفت که به باور بیشتر کارشناسان، در شرایط کنونی، چین در منطقه جنوب خاوری آسیا با ترکیب قدرتهای سخت و نرم خود یک «هژمون» منطقه‌ای به شمار می‌رود اما همان گونه که در بحث همگرایی گفتیم، چین راهی دشوار در رسیدن به جایگاه یک «قدرت جهانی» (global power) و یک «قدرت هژمونی» (hegemonic power) در نظام بین‌الملل پیش رو دارد و هر چند گامهای آرام و هماهنگی را برای بیرون رفتن از جایگاه یک قدرت منطقه‌ای برداشته است اما برای بهبود جایگاه خود در نظام بین‌الملل می‌بایست در بسیاری از رویکردها

۳۰ حوزه صنعتی صورت گرفته است توانست زمینه ایجاد یک میلیون و پانصد و پنجاه هزار شغل را تا پایان سال ۲۰۰۵ برای این کشور فراهم آورد و از نرخ بیکاری آن بکاهد».<sup>۱۰۶</sup>

### بهره سخن

در این نوشتار به مهمترین توانمندیها و نیز نقاط ضعف مؤثر بر روند همگرایی و بهبود جایگاه جمهوری خلق چین در نظام بین‌الملل از دیدگاه «قدرت نرم» پرداخته شد. نکته مهم آن است که روند همگرایی (integration) که در دوران جنگ سرد بیشتر در زمینه مسائل سیاسی-امنیتی، با دخالت یک قدرت برتر، از بالا به پایین، درون‌گرایانه و به صورت تحمیلی در چارچوب یک نظام دو قطبی شکل می‌گرفت، اینک در جهان پس از شوروی و در فضای تازه نظام بین‌الملل، ابعاد گسترده تری مانند توسعه اقتصادی، بازرگانی، اجتماعی و زیست محیطی به خود گرفته و به صورت خودجوش، برون‌گرایانه و مهمتر از همه داوطلبانه در بستر یک نظام چند قطبی در حال پیدایش است.

در این روند تازه، بهره‌گیری از «قدرت نرم» در کنار اهرمهای سنتی قدرت یا همان «قدرت سخت»، در پیشبرد اهداف کلان سیاسی، اقتصادی، نظامی کشورها، اهمیتی روزافزون یافته است.

جمهوری خلق چین نیز همراه با رشد و گسترش پرشتاب اقتصادی و نظامی اش، برای بهبود جایگاه خود از سطح یک «قدرت منطقه‌ای» اثرگذار در شرق آسیا به یک «قدرت جهانی» از یک دهه پیش به گونه‌ای جدی بهره‌گیری از اهرمهای «قدرت نرم» را در دستور کار خود گذاشته است. اما چنانکه گفتیم، دولت چین در این راه با وجود برخورداری از تواناییها و پتانسیلهای دلخواه، کاستیها و نقاط ضعفی نیز دارد که پکن در راهبردهای خود باید بدان توجه جدی کند. نباید فراموش کرد که در جهان امروز مهمترین عامل در روند همگرایی به دست دادن الگوی مطلوب، دموکراتیک و برخورد از رشد و توسعه همه‌جانبه است. چنین پیداست که تازمانی که چین نتواند همپای توسعه اقتصادی و نظامی خود، به توسعه سیاسی و فرهنگی دست یابد و بر بحرانهای

17. (<http://pe.chinabroadcast.en/1/2005/10/11/1@38887.htm>)

18. (<http://pe.chinabroadcast.en/1/2005/10/11/1@42973.htm>)

19. (<http://pe.chinabroadcast.en/1/2005/10/11/1@37008.htm>)

۲۰. نیزبیت، پیشین، ص ۲۰۸

21. "Countries with the biggest readers", (<http://aneki.com/biggest-readers.html>)

22. "Countries with the biggest Computers", **CIA world Fact book**, Cited by (<http://aneki.com/computers.html>)

23. "Countries with the Most Internet User in the world", **CIA world Fact book**, Cited by (<http://aneki.com/internet.html>)

24. "Countries with the Highest University", **UNESCO**, Cited by (<http://aneki.com/universites.html>)

25. "Countries with the Most University Students", **UNESCO**, Cited by (<http://aneki.com/students.html>)

26. Top 500 World Universities (<http://www.ed.sgtu.edu/en/rank/2005/ARWV2005-Top500.htm>)

27. Joseph S. Nye, "The Rise of China's Soft Power", op. cit

28. Drew Thomson, "Economic Growth and Soft Power: China's Africa Strategy", 1/2/2005 ([www.asianresearch.org/articles/2438.html](http://www.asianresearch.org/articles/2438.html))

29. "History of China", (<http://en.wikipedia.org/wiki/History-china.html>)

30. "Freedom of Information in China", ([Http://en.wikipedia.org/wiki/freedom-information-china.html](http://en.wikipedia.org/wiki/freedom-information-china.html))

31. (<http://pe.chinabroadcast.cn/1/2006/05/12/1@4456.html>)

32. (<http://pe.chinabroadcast.cn/1/2006/05/12/1@4365.html>)

33. "Chinese Space Technology", (<http://en.wikipedia.org/wiki/spaceTechnology.html>)

34. Tim Johnson, "China. rising: A 21 st Century Powerhouse", **Knight Ridder Newspapers**, July 18, 2005 (<http://www.realcities.com/mld/krawashington/Jsp>)

35. "China's Technology", (<http://en.wikipedia.org/wiki/china-Technology.html>)

36. Joseph S. Nye. "The Rise of China's Soft Power", op.cit

37. "China's Culture" (<http://en.wikipedia.org/wiki/>)

بازنگری کند و در برخی از حوزه‌ها بویژه حوزه سیاسی به یک بازتعریف دست یابد.

### پی‌نوشتها:

۱. غلامرضا علی بابایی، فرهنگ سیاسی آرش، تهران، آشیان ۱۳۸۴، ص ۴۱۹

2. Joseph S. Nye, "The Changing Nature of World Power", **Political Science Quarterly**, 105, Summer 1990, 181-182

3. Joseph S. Nye, "Soft Power", **Foreign Policy**, Fall 1990

4. Henry A. Kissinger, **Diplomacy**, New York: Simon & Schuster, 1990 pp. 23-24

5. Joseph S. Nye, "The Rise of China's Soft Power", **The Wall Street Journal Asia**, 29 December 2005 (<http://bcsia.ksg.harvard.edulpublication.cfm?program= CORE& Ctype= article & item-id=1350>)

۶. ساموئل پی هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمد علی حمیدرفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی ۱۳۷۸، صص ۲۶۹ و ۲۷۰

۷. همان، ص ۱۶۹

۸. همان، ص ۹۳

9. Time Johnson, "China Rising: China's Global Influence Grows in Diplomacy, Trade, Culture", **Knight Ridder, Newspapers**, at

(<http://www.realcities.com/mld/krawashington/1345631.html?template=contentModules/prinstory.jsp>)

۱۰. جان نیزبیت. پاتریشا آیرین، دنیای ۲۰۰۰، سیاست، اقتصاد و فرهنگ در قرن بیست و یکم، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشرنی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۰

11. "Chinese Soft Power", (<http://Simonworld.mu.nu/archives/Cat-east-asia-Politics.php>)

۱۲. نیزبیت، پیشین، ص ۲۱۶

13. The most famous china's Novelists, (<http://wikipedia.org/china novelists.html>)

14. )<http://en.wikipedia.org/wiki/turism-china%2%80.html>

15. Nye, op.cit.

16. Joseph S. Nye Jr., "Soft Power Matters in Asia", **The Japan Times** (5 December 2005), Belfer Center for Science and International Affairs,

(<Http://bcsia.Ksg.harvard.edulpublication.cfm?program= CORE& Ctype= article&item-id= 1232>)

- China" ([http:// en.wikipedia. org/wiki/Emerging- superpower %E2%80- Republic-of-china](http://en.wikipedia.org/wiki/Emerging-superpower%E2%80-Republic-of-china))
۵۷. محمد جواد امیدوارنیا، جمهوری خلق چین (کتاب سبز)، تهران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۷۸، صص ۲۲۶ و ۲۲۷
58. "Emerging Superpowers...", op.cit.
۵۹. مجید یاسوری، «توسعه انسانی در کشورهای اسلامی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۲۰-۲۱۹ (آر و دی ۱۳۸۴) ص ۱۹۹
60. "Emerging Superpowers...", op. cit.
61. Ibid.
62. Thompson, op.cit.
63. "Emerging Superpowers...", op.cit
64. Ibid.
65. [http://bazztab.com/news/ 39334.php](http://bazztab.com/news/39334.php)
66. Joseph S. Nye, "The Rise of China's Soft Power", op. cit
67. Cited by Tim Johnson, "China Rising: A 21st Century Powershouse", op. cit
۶۸. عبدالمهدی مستکین، «سهم ازدها از اقتدار»، همشهری دیپلماتیک، ش ۱۷ (اول مرداد ۱۳۸۳) ص ۴
69. "Emerging Superpowers...", op. cit
70. [http:// irna.ir/fa/news/view/menu- 151/85021 1862381424421. htm](http://irna.ir/fa/news/view/menu-151/850211862381424421.htm)
71. Nye, op.cit.
۷۲. یوان پنگ، «روابط آمریکا و چین؛ دو احتمال یک گزینه»، ترجمه داوود حیدری، همشهری دیپلماتیک، ش ۱۷ (نیمه مرداد ۱۳۸۳) ص ۸
73. Thompson, op. cit.
۷۴. امیر قدسی، «اراده هژمونیک ایالات متحده آمریکا در چالش بارقباي آسیایی (بارویکرد به پیمان شانگهای)» همشهری دیپلماتیک، ش ۵۵ (۱۸ تیر ۱۳۸۴) ص ۱۰
75. Kurlantzick and others, op. cit
76. Time Johnson, "China Rising: China's Global Influence..." op.cit.
77. Testimony of Professor Edward Friedman to the United State-China Commission, "Chinese Nationalism and American Policy", Washington D.C, April 14, 2005, p.7
78. [http:// pe. chinabroadcast. cn/1/2006/03/12/1@ 42903. htm](http://pe.chinabroadcast.cn/1/2006/03/12/1@42903.htm)
79. [http:// www. mehrnews. com/fa/newsdetail. asp? News ID=25157](http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=25157)
80. "Emerging Superpowers..." op.cit
- china- Culture-html)
38. Joshua Kurlantzich, Elizabeth Economy, Robert Stter and Dan Blumennal, Conference on "Will China Yield Soft Power in Asia", American Interprize Institute, (December 12, 2005)
- [http:// www. washingtonprism. org/showarticle. cfm?id= 209](http://www.washingtonprism.org/showarticle.cfm?id=209))
39. Johnson, "China rising: China's Global Influence grows..." op.cit.
40. Joseph S. Nye Jr., Assessing China's Power", April 19, 2006-01-01
- ([http:// www. boston. com/news/globe/editorial- opinion/lopea articles/ 2006/04/19/ assessing-chinas= Power? mode=pf](http://www.boston.com/news/globe/editorial_opinion/lopea/articles/2006/04/19/assessing-chinas=Power?mode=pf))
41. Joseph S. Nye Jr., Assessing China's Power", op.cit.
42. "China,s GDP", ([http:// en.wikipedia. org/wiki/ china's - GDP.html](http://en.wikipedia.org/wiki/china's-GDP.html))
43. Joshua Kurlantzick and others, op.cit.
44. "China's Trade", ([http:// en.wikipedia. org/wiki/ china's/ trade.html](http://en.wikipedia.org/wiki/china's/trade.html))
45. "A Survey of the World Economy- A Hungry Dragon", **The Economist**, December 2, 2004, p. 12
46. Robin Wright, "Iran: New Alliance with china Could Undermine US Leverage", **The Wall Street Journal Europe**, 18 November 2004, p. A3.
47. Rosita Dellios, "The Rise of China as a Global Power", **The Culture Mandala**, Vol. 6, No. 2, January 2005.
48. Joshua Kurlantzick and others, op.cit
۴۹. صادق بختیاری، بهنام سالم، «سیاستهای چین در زمینه بازار کار در فرایند آزادسازی بازرگانی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۲۰-۲۱۹ (آر و دی ۱۳۸۴)، ص ۱۷۲
50. Joseph S. Nye Jr., "Advancing US Strategy for East Asian Security", **The Asian Wall Street Journal** (May 2005)
- [http:// besia. ksg.harvard.edu/publication. cfm? program= CORE& ctype= article& item-id=1](http://besia.ksg.harvard.edu/publication.cfm?program= CORE& ctype= article& item-id=1))
۵۱. هاتینگتون، همان، ص ۲۷۰
۵۲. همان، ص ۲۷۱
۵۳. همان، ص ۲۷۲
54. Jahnsn, op. cit.
55. Jahnsn, "China rising: A 21st Century Powerhouse", op. cit.
56. "Emerging Superpowers- People's Republic of

92. Johnson, op. cit
93. "Environment Destroy in China" ([http:// en. wikipedia. org/ wiki/ Economic- problems-china/html](http://en.wikipedia.org/wiki/Economic_problems-china/html))
94. Time Johnson, "China Rising: China's Global Influence...., op cit
95. [http// pe.chinabroadcast. en/1/2006/04/28/1 @ 44420.htm](http://pe.chinabroadcast.en/1/2006/04/28/1@44420.htm)
96. Michael Vatikiotis, "The Soft Power of Happy Chinese", Wednesday, January 18, 2006
97. Joseph S. Nye, "The Rise of China's Soft Power", op.cit
98. Kurlantzick and others, op.cit
99. Time Johson, "China Rising: China's Global Influence..." op.cit
۱۰۰. «نگرانی آمریکا از پیشرفت چین»، شرق، (۱۳۸۵/۱/۲۹) ص ۸
101. Joseph S. Nye, "The Rise of China's Soft Power", op. cit
102. Kurlantzick and others, op.cit
103. Thompson, op.cit
104. Emerging Superpowers- People's Republic of China", op. cit
105. Ibid.
106. [http:// pe. chinabroadcast. en/1/2006/05/12/1@ 44918. htm](http://pe.chinabroadcast.en/1/2006/05/12/1@44918.htm)
۱۰۷. جام جم، (۱۳۸۵/۳/۳۱) ص ۱۲
۸۱. آندره بوید، اطلس روابط بین الملل، ترجمه حسین حمیدی نیا، وزارت امور خارجه دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۵۰
۸۲. «تایوان طرح صلح پیشنهادی چین را رد کرد»، شرق، (۱۳۸۵/۱/۲۹) ص ۸
83. June Teufel Dreyer, "China's Strategic View: The role of the People Liberation Army", The Army War College's Strategic Studies Institute, **Conference on China into the 21<sup>st</sup> Century**, April 2005, 1996
84. "Economic Problem in China" ([http:// en.wikipedia. org/ wiki/ Economic- problems-china/ html](http://en.wikipedia.org/wiki/Economic_problems-china/html))
85. Joseph S. Nye, "The Rise of China's Soft Power", op. cit
86. Emerging Superpowers- People's Republic of China", op. cit
87. "Economic Problem in China" ([http:// en.wikipedia. org/ wiki/Economic- problems-china. 2%-8html](http://en.wikipedia.org/wiki/Economic_problems-china.2%-8html))
88. Lee Poh Ping, "Discussion on the Presentations with the Perspective of Japanese Model", **15 JAMCO online International Symposium**, December 2003.
۸۹. هانتینگتون، همان، ص ۳۵۸
۹۰. همان، ص ۹۳
۹۱. همان، ص ۹۶